

# خبرنامه عدالت کیفیری

گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی  
دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

فصل‌نامه علمی - حقوقی / سال پنجم / شماره پانزدهم / بهار ۱۴۰۱





معاونت فرهنگی، اجتماعی

# خبرنامه عدالت کیفری



گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی  
دانشکده حقوق

دانشگاه شهید بهشتی

«حاکم اگر در عفو به خطا رود بهتر از آن است که در کیفر به خطا افتد»

امام علی علیه السلام

فصل‌نامه علمی-حقوقی

سال پنجم / شماره پانزدهم / بهار ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی  
مدیر مسؤول: دکتر نسرين مهرا  
سردبیر: سحر سهیل مقدم

همکاران: سعدی ابراهیم‌زاده، سمیه پرهیزکاری، عبدالحسین سلطانی رنانی،  
دکتر مهدی صبوری پور، لیلا علمی، امیر غفران خواه، منصوره قنبریان بانوئی،  
سید پوریا موسوی، فرشید نظری

ویراستار ادبی: پریسا پورهاشمی  
صفحه‌آرایی: بهار خلیلی

نشانی: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، طبقه اول، دفتر انجمن ایرانی حقوق جزا

ایمیل: [criminaljusticebulletin2018@gmail.com](mailto:criminaljusticebulletin2018@gmail.com)

تلفن و فکس: ۰۲۱۲۲۴۳۱۷۵۵

همراه: ۰۹۱۲۲۱۹۸۰۴۱

# فهرست

۵ مصاحبه: سیاست جنایی تقنینی و اجرایی حاکم بر قانون حمایت از  
اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹

۱۰ درآمدی بر بنیان‌های مصالح عالی‌ه کودکان و نوجوانان بزهکار

۱۸ گامی روبه‌جلو در شناخت حقوق زندانی یا تحدید حقوق زندانیان

۲۱ گزارش

۲۷ تازه‌های ارای وحدت رویه

۲۷ تازه‌های قوانین

۲۸ تازه‌های نشر

## مصاحبه

# سیاست جنایی تقنینی و اجرایی حاکم بر قانون

## حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹

تنظیم کننده: امیر غفران خواه

دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

۱- لطفاً در آغاز کلام کلیاتی را در خصوص موضوع مورد بحث بفرمایید؟

با عرض سلام و احترام و تشکر بابت فرصتی که به من داده شد تا در این شماره از خبرنامه گروه حقوق جزا در خدمت شما باشم. عرایضی را در رابطه با قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ خواهم داشت. این مطالب را در سه محور ارائه خواهم کرد:

۱- فرآیند و ضرورت تصویب این قانون

۲- تبیین مفاد این قانون

۳- ارزیابی انتقادی از وضعیت تقنینی و اجرایی این قانون

مستحضر هستید که کودکان از یک منظر مهمترین گروه سنی در میان افراد جامعه هستند. این وجه از اهمیت به این دلیل است که آنها نقش آفرینان اصلی کشور هستند. قطعاً اگر از منظر رشدی، جامعه‌پذیری و هم‌نوایی با قانون و خودکنترلی و دیگر عوامل وضعیت مناسبی داشته باشند وضعیت آینده جامعه هم مناسب خواهد بود و بر عکس اگر کودکان ما وضعیت مناسبی در هر یک از این حوزه‌ها نداشته باشند طبعاً جامعه آینده ما مشکل دار خواهد شد. به همین دلیل است که در حوزه پیشگیری از جرم رویکرد سازمان‌های بین‌المللی و از جمله سازمان ملل متحد تأکید بر پیشگیری



آقای دکتر مهدی صبوری پور،  
عضو هیأت علمی گروه حقوق  
کیفری و جرم‌شناسی

در این شماره خبرنامه با آقای دکتر مهدی صبوری پور، عضو هیأت علمی گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، مصاحبه شده است.

این ترتیب ما یک نسخه ایرانی از مفاد کنوانسیون در حقوق داخلی داشته باشیم. این قانون (قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹) بسیاری از مفاد کنوانسیون حقوق کودک و آن مفادی از کنوانسیون را که در حمایت از کودکان برشمرده شده است را در خودش دارد. حقوق متعددی از قبیل حق حیات، حق ثبت ولادت، تابعیت، حریم خصوصی، لزوم رعایت منافع عالییه کودک یا الزامات و ممنوعیت‌هایی که در جهت مصالح عالییه کودک پیش بینی شده است مثل منع جدایی کودک از والدین، منع استثمار و بهره‌کشی و نظایر اینها. البته بعضی از حقوق مندرج در کنوانسیون حقوق کودک در این قانون ذکر نشده است. مثل آزادی بیان، حق بر شادی، آزادی تفکر و از این قبیل موارد. یکی از بندهای کنوانسیون که در این قانون نیامده است منع اعدام کودکان (فرد زیر ۱۸ سال) است. می‌دانیم که ما منع صریحی در این خصوص در قوانین داخلی نداریم. البته قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تدابیر یا امکاناتی برای این امر فراهم کرده ولی منع تقنینی وجود ندارد. جالب اینکه آیین نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح مصوب ۱۳۹۸ مصوب رئیس قوه قضاییه در تبصره ۲ ماده ۴۳ حضور افراد زیر ۱۸ سال را در محل اجرای حکم ممنوع کرده است اما چیزی از ممنوعیت اجرای این احکام نسبت به این دسته از افراد گفته نشده است.

### ۳- لطفاً محورهای اصلی و ویژگی‌های بنیادین قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان را تبیین نموده و توضیحاتی در رابطه با نوآوری‌های این قانون ارائه فرمایید.

بعد از مقدمه‌ای که در سطور فوق در تبیین این قانون و ارتباط با اسناد بین‌المللی و هدف از تقنین این قانون انجام دادیم ما به بحث و بررسی در خصوص محتوای آن می‌رسیم. این قانون چند محور اصلی دارد. اول اینکه - اشخاص مورد حمایت این قانون، افراد زیر ۱۸ سال هستند. همان افرادی که در کنوانسیون حقوق کودک مورد حمایت قرار گرفته‌اند. ولی این بدان معنا نیست که تعریف فقهی طفل، در این قانون رها و به‌بوته فراموشی سپرده شده است. در واقع همچنان همان تعریف فقهی پذیرفته شده اما حمایت‌های این قانون به افراد زیر ۱۸ سال سرایت داده شده است. دوم اینکه - مصادیق وضعیت‌های مخاطره‌آمیز در ماده ۳ این قانون مورد اشاره قرار گرفته است. بی‌سرپرستی، ابتلای والدین یا سرپرست طفل به بیماری روانی یا جسمی، زندانی شدن، اعتیاد، خشونت یا فحشای والدین، بازماندن از تحصیل، طرد شدن از سوی خانواده، بزهکاری طفل، وضع زیانبار ناشی از مهاجرت یا فقر و

رشدمدار، حمایت از کودکان و توانمندسازی آنها و دور کردن آنها از عوامل خطرناک است. اینها تدابیری است که در برنامه‌ها و اسناد سازمان ملل متحد مورد تأکید قرار گرفته است. پس اگر کودک در معرض خطر باشد با یک وضعیت خاص و حاد مواجه هستیم. در معرض خطر بودن کودک شامل دو بعد بزه کاری و بزه دیدگی می‌شود، پس کودک در معرض خطر صرفاً به معنای احتمال بزه دیدگی او نیست. بلکه کودکی هم که در معرض بزه کاری قرار دارد ذیل عنوان کلی کودک در معرض خطر قرار دارد و نیازمند حمایت و تدبیر خاص است. البته این دو وجه (بزه کاری و بزه دیدگی) بر هم تأثیرگذارند. هم بزه دیدگی منجر به بزهکاری فرد در آینده می‌شود و هم ممکن است بزه کاری منجر به بزه دیدگی فرد در آینده گردد. پس کودکان نیاز به حمایت‌های خاص دارند و تدابیری که برای اعمال این حمایت خاص نسبت به آنها صورت می‌گیرد مجموعاً سیاست جنائی افتراقی یا سیاست کیفری افتراقی را نسبت به کودکان را تشکیل می‌دهد. گروه دیگری هم هستند که مشمول این سیاست افتراقی قرار می‌گیرند مانند زنان، سالمندان، افراد کم‌توان جسمی ذهنی و نظایر آنها. این سیاست کیفری افتراقی ابزارهای مختلفی دارند مانند جرم‌انگاری افتراقی یا تشدید کیفر رفتارهای مجرمانه علیه این گروه یا دادرسی افتراقی و یا حمایت‌های افتراقی نهادی و سازمانی. با این مقدمه به قانون مورد بحث (قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹) می‌رسیم.

### ۲- جناب استاد لطفاً توضیحاتی را در خصوص سیر تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و ارتباط آن با اسناد داخلی و بین‌المللی برای خوانندگان گرامی ارائه فرمایید؟

این قانون جلوه‌های متعددی از سیاست کیفری افتراقی نسبت به اطفال و نوجوانان را در خودش جای داده است. بحث مطالعاتی این قانون در سال ۱۳۸۳ آغاز شد. اما حمایت از کودکان و توجه خاص به آنها قبل از این تاریخ و مشخصاً از زمان الحاق ایران به کنوانسیون حقوق کودک هم مطرح بوده است. مستحضر هستید که قانون الحاق ایران به کنوانسیون مورد اشاره در سال ۱۳۷۲ با آن حق شرط معروف تصویب شد. آن حق شرط این بود که مفاد کنوانسیون در هر مورد و هر زمان با قوانین داخلی و موازین شرعی در تعارض قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نیست. این حق شرط نظام قانونگذاری، سیاست جنایی ما را بدین سمت و سو سوق داد که با تصویب قوانین داخلی آن از دسته از حقوق کودک را که مناسب می‌دانیم از کنوانسیون به حقوق داخلی منتقل نماییم. به

و مداخله مددکار اجتماعی در این قانون پیش بینی شده که اتخاذ خواهد شد. مددکار اجتماعی همچنین می‌تواند در دادگاه کیفری اطفال حضور پیدا کرده و در بسیاری از موارد مقام قضایی می‌تواند با رعایت مصلحت طفل و نوجوان، انجام تحقیقات مختلف در مورد وضعیت خانوادگی، محل سکونت، اشتغال و تحصیل را به مددکاران بهزیستی محول کند. در حوزه تصمیمات قضایی همچون صدور قرار تعلیق تعقیب، تغییر حکم، صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات نظر مددکار اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. در حوزه اجرای حکم نیز مددکار می‌تواند وارد عمل شده و در صورت گزارش از اشکال یا نقص در اجرای حکم، تقاضای بازنگری و اتخاذ تصمیم مجدد از دادگاه صادرکننده حکم قطعی را داشته باشد. در این قانون جایگاهی بسیار مهم برای مددکاران اجتماعی داده شده است. اینکه اکنون و قریب به دو سال بعد از تصویب این قانون چقدر این موارد اجرایی می‌شود بحثی دیگر است ولی در خود قانون به صراحت این اختیارات و کارکردها برای مددکاران اجتماعی پیش بینی شده است. ششم اینکه، در این قانون تعقیب جرایم علیه اطفال و نوجوانان از یک سو و اجرای تدابیر حمایتی برای آنها از سویی دیگر تسهیل شده است. به عنوان مثال تقاضای کودک یا نوجوان، می‌تواند مبنای تعقیب قرار گیرد. حتی گزارش‌های افراد ناشناس می‌تواند مبنایی برای این امر باشد. در حالی که در وضعیت و شرایط عادی این امر علی‌الاصول وجود ندارد. به طوری که ماده ۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری، اصولاً گزارش‌های افراد ناشناس را مبنایی برای انجام تعقیب و تحقیق نمی‌داند. حضور و مداخله سازمان‌های مردم نهاد فعال در حوزه اطفال و نوجوانان در جریان دادرسی کیفری مورد توجه قرار گرفته است.

#### ۴- زمانی که ما قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ را مطالعه می‌کنیم با جرم‌انگاری‌های جدیدی مواجه هستیم لطفاً در صورت امکان بعضی از موارد مهم این عناوین جدید را تشریح بفرمایید.

یکی دیگر از محورهای این قانون جرم‌انگاری‌های جدید است که بعضی از موارد مهم آن به این شرح است: بی‌توجهی و سهل‌انگاری نسبت به کودک و نوجوان که در ماده ۹ جرم‌انگاری شده است. اینکه دامنه این جرم چقدر گسترده است خیلی مشخص نیست و معلوم نیست که نسبت به چه کسانی تسری پیدا می‌کند ولی بالاخره این مفهوم مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. جرم‌انگاری جدید دیگر در این ارتباط، عدم گزارش‌دهی وضعیت مخاطره‌آمیز نسب به اطفال است که در ماده ۱۷ قانون آمده است. این ماده بیان می‌دارد

بهره‌کشی از طفل. این‌ها مجموعه‌ای از مواردی هستند که بزهکاری، بزه‌دیدگی، آسیب‌های غیر کیفری از قبیل فقر به عنوان وضعیت مخاطره‌آمیز در نظر گرفته شده‌اند. در واقع یک مجموعه خوبی از آنچه که در مباحث پیشگیری رشدمدار به عنوان ریسک فاکتور یا عوامل خطر ساز در رابطه با کودکان شناخته شده در این قانون فهرست شده و تدابیری برای آنها در نظر گرفته شده است. وقتی این وضعیت مخاطره‌آمیز برای طفل اتفاق می‌افتد باید اطلاع داده شده تا از کودک حمایت خاص صورت گیرد. پس تبیین وضعیت مخاطره‌آمیز هم یکی از خصوصیات مهم این قانون است. سوم اینکه- توانمندسازی خانواده در این قانون مدنظر مقنن بوده است. می‌دانیم که یکی از خصوصیات پیشگیری رشدمدار چندسیستمی و چند بعدی بودن آن است و همزمان محورهای مختلف را مورد توجه قرار می‌دهد. اما ضمناً بر این نکته تأکید می‌کند که جدا کردن کودک از خانواده به عنوان آخرین راه‌کار مدنظر قرار گیرد. در این قانون هم همین تأکید وجود دارد و به جای جدا کردن کودک از یک خانواده آسیب‌زا سعی شده که آن خانواده توانمند شده و بتواند با مشکلات پیش آمده مقابله کند. یعنی کودک در خانواده باقی مانده و از مزایای در خانه ماندن بهره‌مند شود. چهارم اینکه، دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضائیه در ماده ۴ این قانون پیش‌بینی شده است و تدابیری باید انجام دهد، به طوری که دفاتر استانی و شهرستانی برای آن در نظر گرفته شده است و مجموعه‌ای از وظایف برعهده این دفتر قرار داده شده است. پنجم اینکه، توجهی گسترده به مددکاران اجتماعی صورت گرفته و نقش‌های متعددی برای آنها در نظر گرفته شده است. از جمله مداخله در موقعیت‌های مخاطره‌آمیز، ارائه مشاوره به دادگاه، انجام تحقیقات طبق نظر دادگاه، نظارت بر اجرای تدابیر و واکنش‌ها. در جای جای این قانون مددکاران اجتماعی مورد توجه قرار گرفته‌اند. بعد از اطلاع از وضعیت مخاطره‌آمیز مددکاران می‌توانند از والدین یا سرپرستان قانونی و سایر افراد مرتبط با طفل دعوت کرده و تحقیقات کنند. به محل سکونت یا اشتغال طفل رفته و حتی اگر خطر شدید و قریب الوقوعی را متوجه شوند می‌توانند بلافاصله در حدود وظایف و اختیارات قانونی عمل کرده و حتی کودک را به مراکز مربوطه منتقل کنند و بعد از آن ظرف مدت ۱۲ ساعت به دادستان اطلاع دهند. مددکار اجتماعی می‌تواند با تجویز مقام قضایی به محل زندگی یا کار افراد ورود کرده و گزارش بگیرد. دادستان نیز بر اساس نظر و گزارش مددکاران اجتماعی ممکن است تصمیم بگیرد که طفل را از مکان خطرناک دور کرده و به مکانی امن مانند سازمان بهزیستی یا اشخاص مورد اطمینان بسپارد. خلاصه اینکه مجموعه‌ای از تصمیمات با مشورت

رضایت طفل به رابطه جنسی مشخص نشده است. کودک یا نوجوان از چه سنی می‌تواند به رابطه جنسی رضایت دهد و رضایت او مؤثر باشد؟ آن چیزی که در قوانین انگلستان و آمریکا با عنوان تجاوز جنسی حکمی یا statutory rape شناخته می‌شود آیا در حقوق ما قابل طرح است یا خیر؟ این‌گونه تجاوز جنسی در آن کشورها زمانی اتفاق می‌افتد که مثلاً اگر سن رضایت جنسی ۱۸ سال قرار داده شده است یک دختر ۱۶ ساله با رضایت خودش وارد رابطه جنسی با فرد دیگری شده است این رضایت چون معتبر تلقی نمی‌شود، برای طرف مقابل تجاوز جنسی محسوب می‌شود. پس یک سنی باید مشخص شود که به عنوان سن رضایت در رفتارهای جنسی شناخته شود. ولی قانونگذار ما به این موضوع نپرداخته و آزار جنسی کودکان و نوجوانان را با یک تعبیر کلی جرم‌انگاری کرده است. نکته دیگر در این قانون استثنای کردن تدابیر و اقدامات تأدیبی والدین از مفهوم سوء رفتار است. می‌دانیم که یکی از علل مواجهه جرم که در قانون ما به رسمیت شناخته شده است و ذیل عنوان اجازه قانون، یکی از موضوعات اقدامات تأدیبی متعارف والدین است. ولی ایرادات متعددی

مادام که نیروی انسانی، بودجه و امکانات کافی، برای حمایت از اطفال اختصاص نیابد نباید انتظار تغییر خاصی را داشته باشیم ولو اینکه بهترین قوانین را هم در این زمینه داشته باشیم.

بر این مجوز اعطایی به والدین جهت تأدیب فرزندانشان وارد شده است. یکی اینکه حد متعارف تأدیب و محافظت مشخص نیست. یعنی یک پدر یا مادر یا سرپرست قانونی طفل می‌تواند تا چه حد کودک را تنبیه بدنی نماید. خصوصاً اینکه مفهوم متعارف بودن تنبیه ممکن است بر حسب خرده فرهنگ‌ها یا مناطق جغرافیایی مختلفی که در کشورمان حاکم است فرق داشته باشد. مکرر با این امر مواجهیم که یکی از گریزگاه‌هایی که در رابطه با کودک‌آزاری وجود دارد همین تجویز اقدامات تأدیبی والدین است که در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ همانند قانون مجازات اسلامی، وجود دارد که آن را به یکی موارد قابل انتقاد تبدیل کرده است. البته در کنار این جرم‌انگاری‌ها و مرتبط با آن، نکته مهم دیگر تشدید مجازات بعضی از جرایم در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان است. بعضی جرم‌انگاری‌ها در قوانین سابق وجود داشته ولی یا متروکه یا بسیار قدیمی بوده و یا اینکه مجازات آنها متناسب نبوده است. در قانون مورد بحث ما، کیفر این قبیل جرایم به روزرسانی شده است. از جمله مانعیت از تحصیل یا فراهم کردن امکانات تحصیل که در ماده ۷ این قانون جزای نقدی درجه ۷ برای آن تعیین شده است. قبلاً در سال ۱۳۲۲ قانونی وجود داشت با عنوان «قانون راجع به آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی» که در ماده ۶ آن قانون، صرفاً ۱۰ ریال برای

که هر کس از وقوع جرم یا شروع به جرم علیه طفل یا نوجوانی مطلع شود یا شاهد ارتکاب آن باشد و با وجود توانایی اعلام یا گزارش‌دهی از این کار خودداری بکند به یکی مجازات‌های تعزیری درجه ۶ محکوم می‌شود. اینکه این جرم‌انگاری با این حد از توسعه اساساً قابلیت اجرایی دارد یا خیر سوال مهمی است و به نظر می‌رسد که این‌گونه جرم‌انگاری، قابل اجرا نبوده و ما را به یاد قانون خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۳ می‌اندازد. در آن قانون نیز مشابه قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ یک تکلیف عمومی برای مداخله در وضعیتی که جان فردی در خطر است وجود دارد. می‌دانیم که قانون سال ۱۳۵۳ به جز در مورد کادر درمانی و پزشکی، نسبت به آحاد جامعه یک قانون متروک بوده و ما رویه قضایی در این خصوص و در باب محکومیت برای عدم کمک به افراد در معرض خطر جانی

نمی‌بینیم. در قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان نیز اگر بگوییم هرکسی به صورت مطلق و عام، کودکی را در معرض خطر ببیند و اقدامی نکند، معلوم می‌شود که این جرم‌انگاری موسع قابل اجرا نیست. جرم‌انگاری جدید

دیگر، تشویق کودکان یا نوجوانان به فرار از خانه یا مدرسه یا ترک تحصیل است؛ ولو اینکه این تشویق مؤثر واقع نشود و در واقع ماده ۸ در این خصوص یک جرم مطلق را بیان کرده است. جرم جدید دیگر قاچاق اعضا و جوارح اطفال و نوجوانان در ماده ۱۳ است اما این موضوع مفهوم چندان دقیقی ندارد و تعریف قانونی نیز در این زمینه وجود ندارد؛ خصوصاً اینکه مرز این امر با مفهوم «توریسم پیوند» مشخص نیست. سوال این است که آیا اهداء عضو طفل یا نوجوان مشمول این جرم می‌شود یا خیر؟ در واقع مساله مهم این است که ما در مورد قاچاق اعضای بدن، خیلی ادبیات مشخص و روشنی نداریم. البته قبلاً لایحه‌ای در هیأت وزیران تحت عنوان مبارزه با قاچاق انسان و اعضای بدن و مجازات عبوردهندگان غیرمجاز افراد از مرزهای کشور تصویب شد و در خرداد ماه ۱۳۹۸ در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد. در این لایحه هم تعریفی از قاچاق عضو انسان ارائه نشده است؛ اگرچه بر اساس ماده ۴ این لایحه، خارج یا وارد کردن یا عبور دادن غیرمجاز انسان مرده یا عضو یا اعضای بدن انسان زنده یا مرده، جرم‌انگاری شده است. پس آن عنوانی که ما در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ می‌بینیم با ابهام مواجه است. در حوزه رفتارهای جنسی با اطفال نیز، آزار جنسی مورد توجه قرار گرفته ولی باز هم در این خصوص خلاء قانونی وجود دارد و آن اینکه سن



بودجه و امکانات کافی، برای حمایت از اطفال اختصاص نیابد نباید انتظار تغییر خاصی را داشته باشیم ولو اینکه بهترین قوانین را هم در این زمینه داشته باشیم. متأسفانه تصویب این گونه قوانین بر خلاف آنچه که تصور می شود که پیام خاصی را به جامعه مبنی بر حساس بودن نظام قانونگذاری در این زمینه مخابره می کند، نتیجه عکس داده و کنشگران حقوقی کم کم نسبت به این گونه قوانین بی حس شده اند و توجه خاصی نسبت به آن نشان نمی دهند، چون می دانند که تصویب این قوانین صرفاً بر روی کاغذ باقی مانده و مثل اسلاف خود متروک و مغفول باقی می ماند. امید است که این موانع اجرایی برطرف شده تا این قوانین خوبی که تصویب می شوند منشاء تغییرات واقعی باشند و گر نه تصویب قوانین به تنهایی دردی را دوا نخواهد کرد. از فرصتی که به بنده داده شد بسیار متشکرم و امیدوارم که عرایض مفید بوده باشند.

این رفتار مجازات تعیین شده بود!! که در حال حاضر و طبق قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مجازات این رفتار متناسب و به روزرسانی شده است. یا معامله راجع به طفل یا نوجوان که در ماده ۱۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان آمده قبلاً در ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ آمده بود و مجازات این رفتار در حال حاضر افزایش یافته است. قاچاق اطفال و نوجوانان طبق ماده ۱۲ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ حبس تعزیری درجه ۳ دارد که قبلاً در قانون قاچاق انسان ۱۰ سال حبس داشت که تشدید مجازات را در این زمینه شاهد هستیم. فروش دخانیات به افراد زیر ۱۸ سال طبق ماده ۱۶ افزایش پیدا کرده که البته قبلاً طبق ماده ۱۲ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات جزای نقدی از ۱۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ هزار ریال داشت که بی معنا شده بود. بنابراین یکی دیگر از محورهای مهم قانون فعلی حمایت از اطفال و نوجوانان تشدید مجازات رفتارهایی بود که قبلاً در سایر قوانین جرم‌انگاری شده بودند.

#### ۵- آقای دکتر در پایان لطفاً یک ارزیابی کلی از قانون مورد بحث ارائه نموده و انتقادات وارده بر آن را مطرح فرمایید.

مهم‌ترین نکته‌ای که در رابطه با این قانون به چشم می‌خورد این است که بسیاری از مفاد این قانون تکراری است. همانطور که اشاره شد، ما از قبل قوانین موجودی داشتیم که برای اطفال و نوجوانان حمایت‌هایی را در نظر گرفته بودند. این قانون آمده و این عناوین را تکمیل یا مجازاتشان را تشدید کرده است و مواردی از این قبیل. ولی توجه به سابقه موضوع نشان می‌دهد که قوانین قبلی هم اجرا نمی‌شدند، یعنی محل اجرا نداشتند تا قانون جدید بخواهد تغییری در این زمینه ایجاد کند. خیلی از قوانین سابق حمایت‌هایی را مقرر کرده بودند که در قانون فعلی آمده و آنها را تکرار کرده است. در واقع مشکل تقنینی در این زمینه وجود نداشت و خلاء قانونی نداشتیم. اگر حمایت‌های کافی در زمینه اطفال و نوجوانان به عمل نمی‌آمده، مشکل قانونگذاری وجود نداشت و قوانین قبلی متأسفانه اجرا نمی‌شدند. بنابراین از قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان هم نباید انتظار معجزه داشت و قرار نیست که اتفاق خاصی بیفتد. کما اینکه امروز هم که دو سال از تصویب این قانون می‌گذرد می‌بینیم که بسیاری از نهادها، تأسیسات و حمایت‌هایی که این قانون پیش‌بینی کرده است مغفول و معطل مانده‌اند. ایرادی که وجود داشت مربوط به اجرای قوانین قبلی بود و با تصویب قوانین جدید، در اجرای قوانین مصوب اتفاق خاصی نخواهد افتاد. مادام که نیروی انسانی،

# درآمدی بر بنیان‌های اصل مصالح عالیه کودکان و نوجوانان بزهکار

سید پوریا موسوی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی<sup>۱</sup>

## چکیده

کلید واژگان: اصل مصالح عالییه، دولت رفاه، مدل سیاست جنایی، نظام عدالت کیفری.

## مقدمه

۱. کودکان و نوجوانان همواره در معرض مخاطرات بسیاری قرار دارند. در این گستره، بزهکاری و انحرافات حقوقی و اجتماعی از جمله تأثیرگذارترین مؤلفه‌ها در جهت ورود کودکان و نوجوانان به مخاطرات گوناگون است. توجه و اهتمام به کودکان و نوجوانان وارد شده به عرصه بزهکاری همواره، دغدغه سیاستگذاران و متولیان سیاستگذاری‌های جنایی بوده تا از رهگذر تدابیر در دسترس بتوانند سازوکارهای مقتضی و متناسب را برای پیشبرد اهداف عدالت‌محوری در زمینه عدالت کیفری کودکان و نوجوانان اعمال و اتخاذ کنند.

۲. رهیافت‌های نوین توجه‌محوری و پیش‌بینی راهبرد سیاست جنایی افتراقی در طول نیم قرن اخیر، افزون بر آن‌که نظام‌های کیفری داخلی را متأثر ساخت؛ تدابیر و اقتضائات بین‌المللی را نیز متحول نموده و در مسیر توسعه و تعالی بشریت گام برداشته است. تدوین و تصویب اسناد متعدد حقوق بشری به ویژه، اسناد خاص و ویژه مرتبط

تحولات کیفری در نیم قرن اخیر به ویژه با تصویب اسناد بین‌المللی حقوق بشر و پیش‌بینی سازوکارهای افتراقی‌سازی شده در عرصه پاسخگذاری، پاسخ‌گویی و پاسخ‌دهی به بزهکاری و بزه‌دیدگی‌ها، موجب گردیده تا نظام عدالت کیفری رویکردی مثبت و تلطیف شده را نسبت به برخی از کنشگران جرم در پیش گیرد و در همین پرتو نظام عدالت کیفری بین‌المللی از گذر یک سیاست جنایی کارآمد و سودمند نسبت به اصول‌مندی افتراقی و شناسایی مفاهیم و رهیافت‌های اثرگذار در گستره فرآیند کیفری مبادرت ورزد. این سازوکار مفید که پس از تصویب کنوانسیون حقوق کودک و الحاق اکثر کشورها به آن، جلوه عمل به خود پوشاند؛ بسترهایی را ایجاد کرد تا عدالت کیفری کودکان و نوجوانان شاخه‌ای مستقل ولی در عین حال، حساس را از گذر اصل مصالح عالییه کودکان و نوجوانان که بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک هنجارمند نموده، وارد حقوق داخلی کشورها شود. بدین‌سان، این اصل مبتنی بر یک سلسله بنیان‌های اساسی است که در قلمروهای گوناگون مورد گفتگو قرار می‌گیرند.

مکاتب گوناگون حقوقی، ایدئولوژی‌های سیاسی و دیگر رویکردها همواره به این موضوعات پرداخته‌اند. در این میان، هیچ موضوع مطالعاتی استثناء نبوده و نیست؛ زیرا، سخن از چرایی یک پژوهش است که راه دانش‌ورزی و خرد اندوزی را به‌روی اندیشمندان رشته‌های علوم انسانی می‌گشاید. براین مبنای اصل مصالح عالیة کودکان و نوجوانان بزهکار نیز از این قاعده مستثنی نیست. بدین‌سان، چهار مقوله حقوقی، سیاسی، اجتماعی و جرم‌شناختی که مبانی یا چرایی سخن از این اصل را به‌میان می‌آورد، مورد گفتگو قرار خواهند گرفت.

### الف: بنیان‌های حقوقی

۸. مکاتب مختلف فکری در اندیشه‌های حقوقی و در طول تاریخ حقوق به‌ویژه تاریخ حقوق کیفری<sup>۲</sup> با فراز و فرودهایی همراه بوده و هریک از آنها نسبت به کنشگران جرم<sup>۳</sup> رویکردهای گوناگونی را اتخاذ نموده‌اند. این مکاتب به فراخور چگونگی اندیشه‌های خود غالباً و حتی تماماً به بزرگسالان و بزهکاری آنان پرداخته و از کودکان و نوجوانان تقریباً غافل شده‌اند. این سیر تطور و تحول تاریخ حقوق و تحولات کیفری که از شدت و حدت به نرمی و رواداری گسیل داده شده، همواره اندیشه‌های متفاوتی را نیز پدیدار ساخته است. شاید بتوان براساس منابع مطالعاتی موجود که در دسترس همگان وجود دارد، سختگیر و نامدارترین مکتب از مکاتب حقوقی در رویارویی با بزهکاران را مکتب عدالت مطلق و به‌خصوص اندیشه‌های ایمانوئل کانت دانست. «کانت حقوقی را پیشنهاد می‌کند که صرفاً بر خواسته‌های عدالت، بر «امر واجب مطلق» دفاع از اخلاق و نه بر فایده اجتماعی، استوار باشد. {به عقیده کانت} کیفر حقوقی از کیفر طبیعی که عمل ناپسند از طریق آن مجازات می‌شود و قانونگذار به آن توجهی ندارد، متمایز است. کیفر قانونی هرگز نمی‌تواند صرفاً به‌عنوان وسیله‌ای به منظور رسیدن به یک نفع - چه در جهت منافع بزهکار و چه در جهت منافع جامعه - تحمیل گردد؛ کیفر قانونی تنها به این لحاظ باید نسبت به بزهکار اجرا گردد که وی مرتکب تقصیر شده است»<sup>۴</sup>. این چنین است که پیروان نظریه مکاتب کیفری کلاسیک به آزادی اراده اعتقاد دارند و انسان را مختار می‌پندارند که آزادانه قوانین را نقض می‌کند و چنین فردی، عقلاً، منطقی و اخلاقاً قابل سرزنش و مجازات است.<sup>۵</sup>

۹. در مقابل این دیدگاه‌های سختگیرانه، دیدگاه‌های بسیار

با کودکان و نوجوانان، بین‌المللی شدن حقوق کودکان و نوجوانان را بنیان نهاده و آنان را در سطوح مختلف جهانی و منطقه‌ای صاحب حق‌های متعدد گردانیده است.

۳. مسأله حمایت از کودکان و نوجوانان در فرآیند کیفری، دغدغه‌ای است که حقوق بین‌الملل از گذر تدوین و تصویب اسناد گوناگون حقوق بشری مورد توجه ویژه‌ای قرار داده است. غالب کشورهای نیز برآن بوده‌اند تا در جهت گام نهادن در این مسیر یعنی، جذب و ادغام هنجارها و نهادهای بین‌المللی مربوط در حقوق داخلی، اهتمام ورزند. امری که نقطه عطف آن را می‌توان در تصویب کنوانسیون حقوق کودک به تاریخ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ دانست که ایران نیز در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱ به‌موجب «قانون اجازة الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک» به این سند ملحق شده است.

۴. این کنوانسیون مشتمل بر اصول حمایتی بوده که کودک محسوب شدن افراد زیر هجده سال در پرتو ماده ۱ این کنوانسیون، از جمله آنها است. این سند یک اصل راهبردی را در بند نخست ماده ۳، پیش‌بینی کرده و آن را شاخصی برای سنجش سایر اقدامات و تدابیر اتخاذی حمایتی از کودکان و نوجوانان تلقی نموده است. «اصل مصالح عالیة کودکان و نوجوانان» در بند ۱ ماده ۳ بدین شرح بیان شده است: «در تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی و خصوصی، دادگاه‌ها، مقامات اجرایی یا نهادهای قانونگذاری انجام می‌شود، مصالح کودک از اهم ملاحظات می‌باشد».

۵. شاخص و معیار دقیقی از یک‌سو، در اسناد و قوانین بین‌المللی و داخلی و از سوی دیگر، در آثار علمی موجود در این زمینه در خصوص این اصل، ارائه نشده است؛ لکن، مصالح عالیة کودکان و نوجوانان را می‌توان دفع هرگونه ضرر و جذب هر نوع منفعت که یاری‌گر کودک و نوجوان در عرصه‌های گوناگون بوده و موجب شود که همواره او گرانیگاه تدابیر حمایتی قرار گیرد، تبیین نمود.

۶. همان‌گونه که اشاره شد، جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک ملحق شده و آن را لازم‌الاجراء گردانیده است؛ لکن، نخستین مسأله، شناخت این اصل، میزان پایبندی و رعایت آن در حقوق ایران و به‌خصوص، کنشگران نظام عدالت کیفری است.

۷. در گستره پژوهش‌های صورت گرفته در رشته‌های علوم انسانی همواره سخن بر آن است که چرا یک مقوله خاص و جزئی مورد پژوهش واقع می‌شود. اندیشه‌های فلسفی،

۲. برای مطالعه بیشتر در این خصوص رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس تاریخ حقوق کیفری، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، تهیه و تنظیم: ایرج خلیل‌زاده و سید پوریا موسوی، سال تحصیلی ۹۵ - ۱۳۹۴؛

قابل دسترس در: [www.lawtest.ir](http://www.lawtest.ir)

۳. منظور از کنشگران جرم، متهم و بزده‌یده و مقصود از کنشگران فرآیند کیفری، کلیه مقامات قضایی و پیرا قضایی است.

۴. پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۰، ص ۶۲.

۵. رک: صفاری، علی، کیفرشناسی؛ تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی، انتشارات جنگل، تهران، چاپ بیست و ششم، ۱۳۹۲، ص ۵۹.

### ب: بنیان‌های سیاسی

۱۲. نظام‌های سیاسی و ایدئولوژیک نسبت به شهروندان خود، همواره براساس آنچه که به‌عنوان هدف خود لحاظ می‌کنند، اتخاذ تصمیم می‌نمایند و برای آنان، گروه هدف تعیین و ملاک قرار می‌دهند. در برخی از نظام‌ها، مردم، صرفاً ابزاری برای رسیدن گروه سیاسی به اهداف خود هستند و گرانیک‌ها تصمیم‌های آنان قرار نمی‌گیرند. به‌عنوان نمونه، در نظام‌های فاشیستی که هدف، برقراری دولتی قدرتمند است و انحصار قدرت را در دست دارد، یک رهبر با قدرت دیکتاتورانه بر آن حکومت می‌کند. از این‌رو، در نظام‌های فاشیستی نه به امکان صلح پایدار و نه به سودمندی آن باور دارند و صلح، خیال‌زیان‌مندی است.<sup>۷</sup> اولویت، در نظام‌های فاشیستی، پاکسازی نژادی - قومی افراطی است که به تأسیس سیستم‌های سیاسی تمامیت‌خواه، اقتصادهای تولیدگر و نظام‌های دیکتاتوری دست می‌یازند.<sup>۸</sup> بدین‌سان، این نظام‌ها همواره بر اقتدار و قدرت‌گرایی خویش متمرکز هستند و شهروندان را در وهله دوم و نه به‌عنوان تصمیم‌گیران اصلی، در نظر می‌گیرند. بنابراین، قادر به پیش‌بینی و رعایت اصول حمایتی از کلیه شهروندان به‌ویژه کودکان و نوجوانان که نیازمند به حمایت بیشتر هستند، نخواهند بود.

۱۳. مشابه این رویکرد را می‌توان در نظام سیاسی توتالیتر (اقتدارگرا) و اتوریتر (اقتدارگرای فراگیر) نیز مشاهده کرد. این نظام‌ها که در پهنه سیاستگذاری‌های جنایی نیز موضوعیت دارند، به‌خوبی نمایان‌گر آن هستند که مقوله‌های کیفری همواره باید در جهت حمایت از دولت گام بردارند و سیاستگذاری‌ها باید ابتدا منافع و مصالح دولت و حاکمیت را تأمین کند و سپس شهروندان در پرتو این نظام‌ها اهداف حقوقی خود را دنبال کنند. از این جهت در مدل اقتدارگرای فراگیر «آنگاه که قدرت تام دولت، اصل مسلم حاکم بر اداره امور جامعه است و مردم (جامعه مدنی) هیچ‌گونه جایگاه حقوقی و مداخله عملی در سیاستگذاری و مدیریت امور اجتماعی ندارند...حق بر متفاوت بودن شهروندان منتفی است. بنابراین حاکمیت به هرگونه رفتار فاصله‌گیر از هنجارهای سیاسی - اجتماعی حاکم (هنجارگریزی)، به‌عنوان جرم، پاسخ می‌دهد».<sup>۹</sup>

۱۴. بنابراین، در این نظام‌ها، کودکان و نوجوانان نیز به مثابه سایر شهروندان مورد نگرش واقع شده و هیچ‌گونه سیاست افتراقی‌سازی شده‌ای نسبت به آنها پذیرفته نمی‌شود. در این میان، نظام‌هایی که مبتنی بر ایدئولوژی آرمانشهر

نرم‌نشانه مکاتب دفاع اجتماعی و دفاع اجتماعی نوین که خواستار کنارگذاری حقوق کیفری بوده و بر بهبود وضع مجرمان توجه دارند، به چشم می‌خورد.<sup>۱۰</sup> بدین‌سان، این رویکردها، جملگی ناظر بر بزهکاری بزرگسالان یا بزرگسالان بزهکار است و هیچ‌یک در مورد حقوق کیفری کودکان و نوجوانان و به‌ویژه رعایت اصل مصالح عالییه در خصوص آنان نظریه‌پردازی نمی‌کنند. بسی جای تعجب است این متفکران دانشمند که به‌نوبه خود، دریچه‌ای جدید را در عرصه‌های مختلف دانش حقوق گشوده‌اند، در خصوص بزهکاری کودکان و نوجوانان سخن نرانده‌اند که دلیل آن را می‌توان یا موضوعیت نداشتن این قبیل بزهکاری‌ها و یا مجال نداشتن زمانی برای طرح این مسائل و شاید مسائل دیگری که مستور است، دانست.

۱۰. باری، این اندیشه‌های فکری در گذر زمان متحول گردید که لزوم بررسی رشته مطالعاتی به‌نام تاریخ حقوق کیفری کودکان و نوجوانان را طلب می‌کند و این پرسش را مطرح می‌کند که اساساً چه دلیل باعث شد تا توجه‌ها و گرانیک‌های حقوق کیفری به‌سوی کودکان و نوجوانان سوق داده شود تا از گذر آن بتوان اصل مصالح عالییه کودکان و نوجوانان را بنیان نهاد؟ آیا از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان بود که بزهکاری آنان مطرح شد یا اینکه مقوله تکنیکی - فنی حقوق کیفری مانند تقصیر، ایجاب کرد که نهادهای حقوق کیفری به‌سوی کودکان و نوجوانان گرایش پیدا کنند؟ در حقیقت بسیار جای بحث دارد، کدام اندیشه فکری بود که سخن از ایجاد مسئولیت برای کودکان و نوجوانان را به‌میان آورد. اساساً شاخص‌های متعددی برای اینکه کودکان و نوجوانان مسئولیت‌پذیر باشند، امروزه شکل گرفته است؛ ولیکن، اینکه آیا در گذشته‌های دور این دسته از افراد نیز مسئول بودند یا خیر؛ بسیار جای بحث و پژوهشی مستقل، مفصل و جداگانه است.

۱۱. به‌ترتیب، آنچه که امروزه هست مسئول تلقی نمودن کودکان و نوجوانان بزهکار است؛ ولیکن آنچه که باید باشد رعایت اصولی بوده که ریشه در اندیشه‌های متعدد حقوقی است؛ اگرچه این اندیشه‌ها به‌طور مستقیم به‌این مقوله نپرداخته‌اند. بدین‌سان، شاید بتوان دیدگاه‌های مکتب دفاع اجتماعی و دفاع اجتماعی نوین را در قبال کودکان و نوجوانان بزهکار همگرا‌تر با اصل مصالح عالییه آنان دانست و بهتر بتوان جلوه‌های آن را نسبت به این دسته از بزهکاران اعمال نمود.

۶. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ پنجم، ویراست پنجم، ۱۳۹۵، ص ۸ و بعد.

۷. رک: آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، انتشارات مروارید، تهران، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۴، ص ۲۳۵.

۸. مک لین، ایان، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ترجمه حمید احمدی، نشر میزان، تهران، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۷، ص ۳۵۶.

۹. رک: لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ نهم، ۱۴۰۰، ص ۴۴. همچنین

رک: دلماس - مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، نشر میزان، تهران، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۹۸.

بود، سخن و رفتار بزرگ خانواده همواره ملاک مبنا قرار می‌گرفت و کودکان و به‌ویژه دختران، حق سخن گفتن یا مخالفت با تصمیمات بزرگان را نداشتند. این رویکرد سال‌ها ادامه‌دار بوده و تا زمانی که حقوق بشر موضوعیت نداشت، همچنان استوار بود. در گذشته، جوامع مبتنی بر نظام آمر و مأموری - ارباب و رعیتی بوده و فرزندان به‌نوعی کالا یا ابزاری برای والدین یا خاندان تلقی می‌شدند. حال امروزه، به مدد پیشرفت و رشد تکنولوژی و گسترش روزافزون فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات و فزونی یافتن فضای سایبر، جامعه شکل امروزی و مدرن خود را گرفته و این اندیشه حاکم شده است که فرزندان تکه‌ای از وجود والدین محسوب شده و والدین باید تا حد ممکن خادم و خدمتگزار فرزندان خود باشند. به‌طور سنتی، بنا بر این بود که کودکان دیده و شنیده نشوند و بدین‌سان، دیدگاه‌ها و مصالح آنها اغلب اهمیتی نداشت. لکن، این باورها و اعتقادات در مورد مکان و موقعیت کودکان در جوامع، آنها را آسیب‌پذیر کرده و آنان را مستعد سوءاستفاده‌های گوناگون مانند سوء استفاده جسمی، روانی، عاطفی و جنسی کرده است.

۱۷. وضعیتی که کودکان در آن قرار می‌گیرند، حمایت آنها را جلب می‌کند. به‌عنوان مثال، براساس گزارش اعلام شده در سال ۲۰۰۹، کودکان در نامبیا علاوه بر حق حمایت، از کلیه حقوق دیگری که در قانون اساسی و همچنین سایر اسناد بین‌المللی حقوق بشر که برای آنان در نظر گرفته شده، برخوردار هستند.<sup>۱۳</sup> دستیابی به ارتقاء و حمایت از حقوق کودکان از این دریچه در جهت تأمین نیازهای کودکان از قوانین موجود و قانون اساسی پشتیبانی می‌کند. به‌بیان ساده، عالی‌ترین مصلحت کودک به‌معنای در نظر گرفتن کودک پیش از تصمیم‌گیری در مورد زندگی وی است. این رویکرد، اصل و بنیانی است که خود را از طریق کلیه مؤلفه‌ها و قوانینی که در رفاه کودک تأثیرگذار می‌باشد، تثبیت کرده است.

۱۸. این اصل، یک اصل جامع قانون عادی بوده که برای کمک به دادگاه‌ها و سایر نهادها در فرآیند تصمیم‌گیری

هستند - یعنی جامعه‌ای با نهادها و افراد بدون نقص و در حد کمال مطلوب<sup>۱۰</sup> - همه شهروندان به فراخور جایگاه خود در مرتبه‌ای قرار دارند که کودکان و نوجوانان نیز جایگاه ویژه و خاص‌تری را نسبت به دیگر شهروندان بهره‌مند می‌باشند.

۱۵. در این گذر رویکردها به تدریج تعدیل شده و دولت‌ها متحول گردیده‌اند و نظام‌های سیاسی دیگری ظهور کردند که گروه هدف خود را شهروندان و تأمین منافع و مصالح آنان قرار دادند. از این رهگذر دولت‌های رفاه یکی از مهمترین مدل‌های ایدئولوژیک‌مدار نظام‌های سیاسی هستند که بر شهروندان و رفاه آنان بسیار توجه خاص و ویژه نموده‌اند. بدین‌رو، «دولت رفاه بخشی است جدایی‌ناپذیر که از جامعه‌های سرمایه‌داری غربی و همان‌طور که نام آن نشان می‌دهد، اشاره به وضعی که حکومت (دولت و دستگاه‌های وابسته به آن) به‌شکلی فعالانه در تأمین رفاه مردم به‌خصوص از نظر مادی، فعال است. به‌بیانی دیگر، دولت رفاه را می‌توان به‌منزله وضعیتی تعریف کرد که مسئولیت حکومتی از صرف حفظ نظم داخلی و امنیت خارجی فراتر رفته و شامل مسئولیتی اجتماعی به‌منظور بهزیستی شهروندان نیز می‌شود».<sup>۱۱</sup> به‌دیگر سخن، دولت رفاه دولتی است که می‌کوشد در قالب برنامه‌های مدون و قانونی برای تأمین و بهبود رفاه عمومی از طریق نهادهای قدرت و سازوکارهای آن اقدام کند.<sup>۱۲</sup> براین مبنا، سیر تطورات نظام‌های سیاسی افزون بر آن که به‌طور کلی، تأمین منافع و لحاظ مصالح شهروندان را در اولویت قرار می‌دهند، کودکان و نوجوانان را به‌طور ویژه‌تری تحت پوشش رفاه اجتماعی و هموار کردن مسیر در جهت اعتلای رشد و بالندگی آنان مدنظر دارند. حال، از این جهت است که رویکردهای اجتماعی باید در کنار نظام‌های سیاسی این مسیر اعتلاء و پیشرفت را هموارتر سازند.

### پ: بنیان‌های اجتماعی

۱۶. جوامع، از دیرباز تاکنون اشکال مختلفی را به‌خود دیده‌اند. در گذشته که خانواده‌ها مبتنی بر نظام پدرسالاری

۱۰. افشاری‌راد، مینو و آقابخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار، تهران، چاپ سوم، تابستان ۱۳۸۹، ص ۷۱۷.

۱۱. ریتزر، جرج، دانشنامه جهانی شدن، ترجمه نورالله مرادی و محبوبه مهاجر، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، جلد دوم، چاپ اول، ۱۳۹۵، ص ۱۲۹۹. همچنین رک:

Alber, J., Continuities and changes in the idea of the welfare state, politics and Society journal, 1988, No 16, pp. 468 – 451; Alber, J., What is European and American welfare states have in common and where they differ: face and fiction in comparisons of the European social model and the United States. Journal of European Social Policy. No 20, pp. 125 – 102.

۱۲. رک: افتخارچهرمی، گودرز و ادیب، حسین، دولت رفاه، در: جنیدی، لعیبا و نیازیور، امیرحسن «به‌کوشش»، دانشنامه سیاستگذاری حقوقی، انتشارات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۹، ص ۵۲۹.

13. Rachel Coomer, cited in The Namibian, 9 October 2009; "Protecting the next generation: Have your say on the child care and protection bill". Available at <http://www.namibian.com.na/columns/full-story/archive/2009/may/article/protecting-t..2006/>; last accessed 7 October 2009. See: Dausab, Yvonne, The best interest of the child, In: Children's rights in Namibia, Dateless, p. 145.

یک‌سوی، باید یاری‌گر این نهاد و از سوی دیگر، باید مداخله‌کننده مستقیم در صورت سهل‌انگاری و کاستی آن در راستای اجرای این اصل باشد، جامعه مدنی نیز به‌عنوان ضلعی دیگر از اضلاع یک نظام اجتماعی، می‌تواند در این مهم نقش‌آفرین باشد.

۲۱. جامعه مدنی معمولاً، در مقابل دولت به حوزه‌ای از روابط اجتماعی منتهی می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است.<sup>۱۸</sup> اگرچه در قوانین جمهوری اسلامی ایران مانند ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، نهادهای مدنی صرفاً به حمایت از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده<sup>۱۹</sup> می‌پردازد؛ اما، نباید از نظر دور داشت که کودکان و نوجوانان مرتکب رفتارهای بزهکارانه یا پُرخطر نیز نیازمند حمایت از سوی این نهادها هستند؛ زیرا، فراگیر بودن اصل مصالح‌عالیه کودکان و نوجوانان ایجاب می‌کند که این دسته از افراد نیز همواره مورد حمایت قرار گیرند تا در آینده وارد عرصه بزهکاری گسترده‌تر و پایدار نگردند.

### ت: بنیان‌های جرم‌شناختی

۲۲. جرم‌شناسی علم مطالعه علل و چرایی وقوع یک پدیده مجرمانه است که در این پهنه، مرتکب بزه کیفری به‌عنوان بزهکار و قربانی این رفتارها یعنی بزه‌دیده، معمولاً گرانگه‌بخت این دانش هستند.<sup>۲۰</sup> در حوزه بزهکاری کودکان و نوجوانان در قلمرو جرم‌شناسی معمولاً سه گروه «بزهکاری ناشی از مشکلات و مسائل زیستی - روانی - تربیتی»، «بزهکاری ناشی از کنجکاو مرحله گذار از کودکی و نوجوانی به بزرگسالی» و «بزهکاری ناشی از طرد اجتماعی صغار» مورد مطالعه قرار گرفته و به بررسی علل، خصوصیات و چگونگی مقابله به آنها می‌پردازد.<sup>۲۱</sup> در این راستا باید توجه داشت آنچه که غالباً در حوزه بزهکاری کودکان و نوجوانان مورد بررسی قرار می‌گیرد، رویکردهای پیشگیرانه است؛ زیرا، اعمال تنبیهات سختگیرانه کیفری و تدابیر سرکوبگرانه در قبال این دسته

استفاده شده است. باید در نظر داشت که دادگاه‌ها سرپرستان عالی‌فرزندان خردسال هستند و در صورت نیاز، در تعیین رفاه کلی کودک سخن پایانی را می‌زنند. این امر را از طریق توازن نسبتاً ظریف مصالح انجام می‌دهند. این مصالح‌عالیه، ویژه و حساس هستند؛ زیرا، غالباً از نظر طلاق، نگهداری و حضانت و کنترل به موارد مربوط به وضعیت خانواده مربوط می‌شوند. به‌زعم برخی،<sup>۱۴</sup> متداول‌ترین مثال‌ها در مواردی که هنجار مربوط به تأمین مصلحت کودک قابل اجرا می‌باشد، در موارد حضانت و طلاق ذکر شده است.

۱۹. به این ترتیب، نظام تربیتی کودکان که پیشتر صرفاً در قالب نظام‌های سنتی و کلاسیک بوده و با رفتارهای نامطلوبی از والدین همچون تنبیه‌های بدنی سنگین یا محرومیت‌های فوق‌العاده ناصحیح صورت می‌گرفت، امروزه پس از دوران عصر صنعتی شدن جوامع و ظهور پدیده دهکده جهانی که توسط مک لوهان<sup>۱۵</sup> مطرح شد، دگرگون شده و نهاد خانواده به‌عنوان نهاد کلاسیک تربیت فرزندان را متأثر نموده است. اگرچه برخی<sup>۱۶</sup> معتقدند که پس از واقعه یازده سپتامبر دوران جهانی شدن به پایان رسیده است؛ لکن، همواره این رویکرد که جوامع در عصر مدرن به‌شکلی یکپارچه درآمده‌اند، غیرقابل انکار است. از این‌رو، کودکان و نوجوانان از گذر ارتباط با دیگران هم‌نوعان خود در تمام دنیا از نحوه چگونگی تربیت و احقاق حقوق خود آگاهی یافته و در این فرض، این، دنیای مدرن‌تیه است که مصالح‌عالیه کودکان و نوجوانان را شناسایی و مورد حمایت قرار می‌دهد. به‌همین جهت است که «در جوامع پیشرفته از نظر فرهنگی رعایت قوانین و مقررات، مانند سایر اوامری که از طرف مقامات صلاحیت‌دار صادر می‌شود، به تدریج به کودک انسانی تفهیم و تعلیم شده افراد فرامی‌گیرند که به‌میل خود از قوانین تبعیت و پیروی کنند».<sup>۱۷</sup>

۲۰. از آنجایی که خانواده به‌عنوان کانون اولیه رعایت‌کننده اصل مصالح‌عالیه کودکان و نوجوانان بوده و دولت از

#### 14. Ibid, p. 147.

۱۵. رک: مونی، آباله و دیگران، دانشنامه جهانی شدن، ترجمه علیرضا طیب، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص ۳۳۷ و بعد.
۱۶. رک: هلد، دیوید و مک‌گرو، آنتونی، آیا جهانی شدن دچار بحران شده است؟، در: نظریه‌های جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، نشر چشمه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۱.
۱۷. رک: صانعی، پرویز، حقوق و اجتماع؛ رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی، انتشارات طرح نو، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲.
۱۸. رک: رضوانی، سودابه، جامعه مدنی، در: جنیدی، لعیان و نیازپور، امیرحسین «به‌کوشش»، دانشنامه سیاست‌گذاری حقوقی، انتشارات معاونت حقوقی رئیس‌جمهور، تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۹، ص ۳۴۳.
۱۹. رک: شفیعی، شمیم، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده و در معرض خطر بزه‌دیدگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، شهریور ۱۴۰۰.
۲۰. برای مطالعه بیشتر: رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم، «دیباچه در»: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۹۷، ص ۱۳ و بعد؛ همچنین رک: پیکار، ژرژ، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ چهارم، بهار ۱۳۹۵.
۲۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی و عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، «دیباچه در»، بشیریه، تهمورث «به کوشش»، دانشنامه عدالت کیفری کودکان و نوجوانان؛ دیدگاه‌ها، مدل‌ها و گرایش‌های بین‌المللی، نشر نگاه معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۷، ص ۱۷.

موقع اجرا گذاشته شد که این قانون از حیث ساختاری و تشکیلاتی، تفاوت‌های بسیاری را با قانون پیش از خود، داشت و تحولات عظیمی را در جدال قدرت و امنیت با حقوق و آزادی‌های فردی پدیدار ساخت.

۲۷. در این عرصه با توجه به اسناد بین‌المللی حقوق بشری که نظام حقوقی ایران به برخی از آنها ملحق شده و در قالب قانون داخلی خود قرار داده، به این تحولات کمک بسیاری کرد و تا حدود بسیاری راهبرد و راهگشای سیاستگذاران جنایی ایران در قلمرو عدالت کیفری بود. این راهبرد موجب دوگانه شدن حقوق داخلی و بین‌المللی در ایران

شد که سرانجام نظام بین‌المللی - اساسی شدن حقوق کیفری را بنیان نهاد. از جمله رهیافت‌های بین‌المللی که در این خصوص بسیار تأثیرگذار بود، می‌توان به قانون حقوق مدنی و سیاسی (یعنی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) و قانون حقوق کودک (یعنی کنوانسیون حقوق کودک) اشاره داشت. در همین پرتو قانون حقوق کودک یک سلسله اصول و موازین را به‌عنوان استلزامات حقوق بشری کودکان به دولت‌ها تکلیف نمود که موجب ورود این اصول و موازین به قوانین داخلی کشورها خواه به صورت مستقیم و خواه به شکل غیرمستقیم گردید.

۲۸. یکی از مهمترین اصول بنیادین قانون حقوق کودک که معیاری برای سنجش شاخص‌های ارزیابانه حقوق کودکان در عرصه‌های گوناگون محسوب می‌شود، اصل مصالح عالیه است که در بند نخست از ماده سوم قانون حقوق کودک مورد اشاره واقع شده است. این اصل که یک اصل عام‌الشمول و فراگیر بوده و خود، مبتنی بر اصول فرعی و شاخص‌های کنترلی متفاوتی است، نظام‌های حقوق کیفری از جمله نظام حقوقی ایران را تحت تأثیر خود قرار داده است.

۲۹. سیاستگذاران جنایی ایران از انقلاب سال ۱۳۵۷ تا تحولات حقوق و عدالت کیفری در سال ۱۳۹۲ به اصل مصالح عالیه وقعی نمی‌نهادند و قوانین کیفری را با این اصل منطبق نمی‌کردند؛ لکن، از سال ۱۳۹۲ و به‌دنبال تحولات صورت گرفته، حقوق و رویه قضایی ایران به این اصل توجه خاصی کرد و در این خصوص انعکاس قابل توجهی یافت. با وجود این، از آنجایی که نظام حقوق کیفری ایران بر پایه اصل چهارم قانون اساسی باید مبتنی بر موازین و قواعد فقهی - شرعی باشد؛ به‌رغم توجه بسیار زیادی که در تأمین اصل مصالح عالیه کودکان و نوجوانان در نظام عدالت کیفری ایران صورت گرفت؛ اما، همچنان در پاره‌ای موارد قابل توجه، به‌ویژه جرایم شرعی، رویکردی دوگانه وجود دارد که همچنان الزام به شرع را اولویت بر استلزامات بین‌المللی حقوق بشری قرار داده است.

از اطفال نوعاً نامطلوب بوده و نتیجه عکس خواهد داشت. به‌همین دلیل است که در این قلمرو، راهبردهای بازپروری و بازپذیرسازی در اولویت قرار دارند و همان‌گونه که در آینده بیشتر مورد اشاره قرار خواهد گرفت، نظام عدالت کیفری ایران نیز در تا حدود نسبتاً زیادی در این قلمرو گام برداشته است.

۲۳. با وجود این، رهیافت‌های جرم‌شناسی انتقادی به‌طور کلی و جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی به نحو ویژه در مسیر پیدایی و نحوه گفتمان اصل مصالح عالیه بسیار قابل توجه هستند. اگرچه جرم‌شناسی‌های انتقادی به معنای

واقعی کلمه «جرم‌شناسی» محسوب نمی‌شوند و به دنبال علت‌شناسی پدیده مجرمانه نخواهند بود؛ بلکه، برای دستیابی به خواسته‌ها و مطالبات سیاسی، اجتماعی و... خود از عنوان جرم‌شناسی استفاده می‌کنند؛ اما، به‌رغم این رویکرد در پهنه حقوق کیفری کودکان و نوجوانان و به‌طور خاص در عرصه مصالح عالیه کودکان و نوجوانان بزهکار قابلیت تحلیل و ارزیابی دارند.

۲۴. جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی، موضوع مطالعه خود را نه مرتکب رفتارهای بزهکارانه و علل محیطی و پیرامونی او، بلکه دستگاه عدالت کیفری و کارگزاران این سیستم را علت و ریشه ارتکاب جرم می‌داند. از این‌رو، بر پایه این رویکرد مطالعاتی دستگاه عدالت کیفری منجر به تولید بزهکاران مکرر گردیده و به بازچرخش گرانیگاه بزهکار خواهد انجامید. بدین‌سان است که می‌توان در چارچوب این رویکرد مطالعاتی مباحث مربوط به قضاوت‌دایی و گفتمان عدالت ترمیمی مطرح نمود.

## نتیجه گیری

۲۵. نظام عدالت کیفری ایران پس از گذر سال‌ها از انقلاب سال ۱۳۵۷، در جهشی واقع‌گرایانه مبتنی بر موازین حقوق بشری، تا حدودی تعدیل شده و در عرصه‌های گوناگون عدالت کیفری از سویه جزم‌گرایانه و انعطاف‌ناپذیر خود عدول کرده و به جهت رواداری کیفری و تلطیف حقوق و نظام عدالت کیفری، سوق پیدا کرده است. این جهش که مبتنی بر رهیافت‌های بین‌المللی حقوق بشری و شاید در جهت کاستن از میزان فشارها و الزمات نهادهای نظارتی جهانی و بین‌المللی حقوق بشر بوده است، تبلور خود را دو قانون مهم مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ظهور و بروز داده است.

۲۶. اگر چه قانون مجازات بلافاصله پس از تصویب اجرایی شد؛ اما، اجرای قانون آیین دادرسی کیفری به مدت دو سال معطل ماند تا سرانجام پس از انجام اصلاحاتی در این قانون - البته پیش از اجرا - النهایه در سال ۱۳۹۴ به

یکی از مهمترین اصول بنیادین قانون حقوق کودک که معیاری برای سنجش شاخص‌های ارزیابانه حقوق کودکان در عرصه‌های گوناگون محسوب می‌شود، اصل مصالح عالیه است.

## فهرست منابع

## ب: غیرپارسی

مرادی و محبوبه مهاجر، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، جلد دوم، چاپ اول، ۱۳۹۵.

۱۳. شفیع، شیما، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده و در معرض خطر بزه‌دیدگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، شهریور ۱۴۰۰.

۱۴. صانعی، پرویز، حقوق و اجتماع؛ رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی، انتشارات طرح نو، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۹.

۱۵. صفاری، علی، کیفرشناسی؛ تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی، انتشارات جنگل، تهران، چاپ بیست و ششم، ۱۳۹۲.

۱۶. غنی‌زاده بافقی، مریم، مصالح عالیۀ کودک در عهدنامه حقوق کودک، فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران، رسالۀ دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۶.

۱۷. کاری‌یو، روبر، مداخلۀ روانشناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، ترجمۀ علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۵ و ۳۶، ۱۳۸۱.

۱۸. لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمۀ علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ نهم، ۱۴۰۰.

۱۹. مک لین، ایان، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ترجمۀ حمید احمدی، نشر میزان، تهران، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۷.

۲۰. موسوی، سید پوریا، مفهوم و جلوه‌های اصل مصالح عالیۀ کودکان و نوجوانان در حقوق کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شهریور ۱۴۰۰.

۲۱. مونی، آنابل و دیگران، دانشنامه جهانی شدن، ترجمۀ علیرضا طیب، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.

۲۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از حقوق کیفری تا حقوق کیفری صغار، دیباچه در: عباچی، مریم، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، انتشارات مجد، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۸.

۱. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، انتشارات مروارید، تهران، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۴.

۲. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمۀ محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ پنجم، ویراست پنجم، ۱۳۹۵.

۳. افتخارچهرمی، گودرز و ادیب، حسین، دولت رفاه، در: جنیدی، لعیبا و نیازپور، امیرحسن «به‌کوشش»، دانشنامه سیاستگذاری حقوقی، انتشارات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۹.

۴. افشاری‌راد، مینو و آقابخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار، تهران، چاپ سوم، تابستان ۱۳۸۹.

۵. پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمۀ علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۰.

۶. پیکا، ژرژ، جرم‌شناسی، ترجمۀ علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ چهارم، بهار ۱۳۹۵.

۷. خواجه‌نوری، یاسمن، جهانی شدن حقوق کیفری اطفال بزهکار، نشر میزان، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۶.

۸. دلماس - مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، نشر میزان، تهران، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۹۸.

۹. دیوید و مک‌گرو، آنتونی، آیا جهانی شدن دچار بحران شده است؟، در: نظریه‌های جهانی شدن، ترجمۀ مسعود کرباسیان، نشر چشمه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸.

۱۰. رستمی، هادی و موسوی، سید پوریا، مصالح عالیۀ کودکان و نوجوانان بزهکار در، حقوق کیفری ایران؛ با تأکید بر پاسخ‌های تعزیرمدار، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۴، شماره ۱۱۲، زمستان ۱۳۹۹.

۱۱. رضوانی، سودابه، جامعه مدنی، در: جنیدی، لعیبا و نیازپور، امیرحسن «به‌کوشش»، دانشنامه سیاستگذاری حقوقی، انتشارات معاونت حقوقی رئیس‌جمهور، تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۹.

۱۲. ریترز، جرج، دانشنامه جهانی شدن، ترجمۀ نورالله



of the welfare state, politics and Society journal, No 16, 1988.

2. Alber, J., What is European and American welfare states have in common and where they differ: face and fiction in comparisons of the European social model and the United States. Journal of European Social Policy. No 20.

3. Rachel Coomer, cited in The Namibian, 9 October 2009; "Protecting the next generation: Have your say on the child care and protection bill". Available at <http://www.namibian.com.na/columns/full-story/archive/2009/may/article/protecting-t..2006/>; last accessed 7 October 2009. See: Dausab, Yvonne, The best interest of the child, In: Children's rights in Namibia, Dateless.

۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، بین‌المللی - اساسی شدن اصول حقوق کیفری، در: جنیدی، لعیبا و نیازپور، امیرحسن «به‌کوشش»، دانشنامه سیاستگذاری حقوقی، انتشارات معاونت حقوقی رئیس‌جمهوری، تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۹.

۲۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس تاریخ حقوق کیفری، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، تهیه و تنظیم: ایرج خلیل‌زاده و سید پوریا موسوی، سال تحصیلی ۹۵ - ۱۳۹۴؛ قابل دسترس در: [www.lawtest.ir](http://www.lawtest.ir)

۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم، «دیباچه در»: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیکی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۹۷.

۲۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی و عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، «دیباچه در»، بشیریه، تهمورث «به کوشش»، دانشنامه عدالت کیفری کودکان و نوجوانان؛ دیدگاه‌ها، مدل‌ها و گرایش‌های بین‌المللی، نشر نگاه معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۷.

۲۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره سن و علوم جنایی، دیباچه در: رجبی‌پور، محمود، مبانی پیشگیری اجتماعی رشدمدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان، نشرمیزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۱.

۲۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی سازمان ملل متحد، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸، دی ۱۳۷۴.

۲۹. نیازپور، امیرحسن، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان؛ فرآیند پاسخ‌دهی به بهکاری کودکان و نوجوانان، نشرمیزان، تهران، چاپ سوم، بهار ۱۴۰۱.

#### ب: غیرپارسی

1. Alber, J., Continuities and changes in the idea

# گامی روبه جلو در شناخت حقوق زندانی یا تحدید حقوق زندانیان

(بررسی آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۴۰۰)

عبدالحسین سلطانی رنانی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

## ۱- مانع نبودن آیین نامه

منظور از مانع نبودن آیین نامه این است که آیین نامه یادشده به طور خاص در راستای اجرای مواد ۵۲۰، ۵۲۸ و ۶۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری وضع و تصویب شده است. مواد قانونی مزبور ذیل بخش پنجم قانون و تحت عنوان اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی گنجانده شده‌اند و عمدتاً ناظر به نحوه برخورداری زندانیان از مزایا و حقوق پیش‌بینی شده در راستای پایبندی و هم‌نوایی ایشان با برنامه‌های اصلاحی و تربیتی زندان است؛ ولیکن همان‌گونه که از نام آیین نامه مشخص است این آیین نامه ناظر به سازمان زندان ها هم است. به عبارت دیگر از یک سو آیین نامه حقوق و تکالیف زندانیان را مشخص می‌کند و از سوی دیگر ناظر به تشکیلات اداری و ساختار زندان و سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی هم می‌شود. آیین نامه مزبور هم تکالیف کارکنان و نحوه نظارت بر عملکرد ایشان را دربردارد و هم قصد بیان برنامه‌های بازپرورانه و اصلاحی در مورد بزهکاران را داشته است؛ حال آنکه مواد ۵۲۰ و ۵۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری که این آیین نامه به طور خاص در راستای اجرای این مواد نگاشته شده است، آیین نامه را مربوط به نحوه نگهداری و طبقه‌بندی محکومان و متهمان، اشتغال و حرفه‌آموزی آنان، برنامه‌های بازپروری، نحوه ملاقات

پس از تصویب آیین نامه جدید سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی توسط ریاست وقت قوه قضاییه تاکنون نکات مختلفی درباره نقاط ضعف و قوت این آیین نامه و چالش‌های قانونی و قضایی آن مطرح شده است که مجال پرداختن به این موارد در این نوشتار فراهم نیست. گذشته از ایرادات شکلی ناظر به نحوه نگارش متن این آیین نامه و برخی ایرادات ماهوی موجود در متن، چندین چالش کلی و البته ناسازگاری بین متن آیین نامه و قوانین شکلی و ماهوی کیفری وجود دارد که حسب اقتضات، ذیل دو گفتار در این نوشتار به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

## الف) چالش‌های کلی آیین نامه

از اصول کلی آیین نامه نویسی این است که آیین نامه با قوانین بالادستی اعم از قوانین موضوعه عادی و قانون اساسی و به طور خاص با قانونی که آیین نامه در راستای اجرای آن تنظیم شده است، در تعارض و تضاد نباشد و نیز صرفاً به موضوع خاص موردنظر قانون‌گذار در راستای اجرای قانونی که ریشه و اساس آن آیین نامه است بپردازد؛ اصولی که به وضوح مشخص است در نگارش آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مورد غفلت قرار گرفته است.

که می‌بایست به‌موجب قانون و در دادگاه صالح صورت پذیرد و نه در شورای انضباطی زندان که از این دو وجه خالی است.

### ب) عدم تطابق برخی احکام آیین‌نامه با احکام قوانین دیگر

در برخی از مواد آیین‌نامه مزبور احکامی وجود دارد که در مقایسه آن با احکام کیفری قوانین موضوعه، عدم سازگاری به‌وضوح مشخص است. برای مثال می‌توان به دو مورد زیر اشاره کرد.

#### ۱- ممنوعیت فرایند اصلاحی رأی باز برای برخی از زندانیان

ماده ۱۸۴ آیین‌نامه برخی از زندانیان را در سه بند، حسب نوع جرم ارتكابی، شدت ارتكاب، وسیله ارتكاب جرم، مجازات قانونی، ارتكاب جرم حین تحمل حبس و ... از شرکت در فرایند اصلاحی رأی باز یا همان اشتغال در مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و خارج از مؤسسه، ممنوع دانسته است. با دقت در بند «ب» این ماده مشخص می‌شود که در تصویب و وضع این ماده دقت لازم به عمل نیامده است زیرا مثلاً محکومان به اخلال در نظام اقتصادی را به‌صورت کلی و مطلق در زمره این زندانیان آورده؛ حال آنکه در حال حاضر مجازات قانونی اخلال در نظام اقتصادی حسب میزان دامنه وسعت جرم به عمده و غیر عمده و حسب قصد و نیت مرتکب به اخلال با قصد مقابله با نظام و بدون این قصد تقسیم‌بندی می‌شود که حسب مورد طیف مجازات قانونی گسترده و متفاوتی اعم از اعدام تا حبس درجه پنج را دربردارند.

همچنین است در خصوص محکومان به تجاوز به عنف! مجازات قانونی تجاوز به عنف اعم از زنا و لواط وفق مواد ۲۲۴ و ۲۳۱ قانون مجازات اسلامی، اعدام یا همان مجازات سالب حیات است. حال آنکه محکومین به مجازات سالب حیات در بند «الف» این ماده مورد اشاره قرار گرفته‌اند. مگر آنکه گفته شود که منظور از محکومین به تجاوز به عنف در بند «ب» این ماده ناظر به فرضی است که مثلاً متجاوز به عنف وفق شرایط مقرر قانونی توبه نموده باشد و مجازات آن وفق تبصره ۲ ماده ۱۱۴ حبس تعزیری درجه ۶ گرفته است؛ در این صورت این سؤال پیش می‌آید که اگر مرتکب واقعا توبه کرده است آیا با توجه به شرایط احراز توبه چنین فردی حالت خطرناک دارد یا مجازات شدیدی دارد که می‌بایست از این مزیت محروم شود؛ فلذا مشخص نیست مبنای این تقسیم‌بندی در این بندها چیست. خصوصاً آنکه برخی مرتکبین جرایم با مجازات قانونی شدیدتری از آنچه در این ماده مطرح شده هستند ولیکن مشمول این ممنوعیت قرار نگرفته‌اند.

زندانیان، نحوه اداره کانون‌های اصلاح و تربیت و کیفیت اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان در آنجا، طبقه‌بندی اطفال و نوجوانان از حیث جنس، سن، نوع جرایم و امور اجرایی این کانون‌ها و نحوه اجرای مجازات حبس و نیز بهره‌بردن زندانی از مرخصی و امتیازاتی این چنین دانسته است؛ بنابراین پرداختن به اموری همچون ظاهر کارکنان زندان و نظارت بر ایشان از این حیث، اجرای مراسم‌های صبحگاه و شامگاه، طبقه‌بندی شغلی کارکنان که مربوط به شئون اداری و ساختار و تشکیلات زندان است دور از هدف اولیه وضع و تصویب این آیین‌نامه به نظر می‌رسد. از این رو آیین‌نامه مانع نبوده و اموری نه‌چندان مرتبط با دلیل وضع و تصویب آیین‌نامه در آن به‌وفور ذیل مواد مربوط به ساختار زندان و تکالیف کارکنان آن به چشم می‌آید. از سوی دیگر آیین‌نامه مورد اشاره در بسیاری از موارد عمدتاً به تکالیف زندانیان و ضمانت اجراهای عدم رعایت این تکالیف پرداخته است.

#### ۲- تحدید آزادی‌ها فراتر از قانون

برخی از ضمانت اجراهایی که در این آیین‌نامه برای زندانیان در صورت عدم رعایت مقررات و ضوابط پیش‌بینی شده رنگ و بوی مجازات دارند و از حیثه تنبیه انضباطی صرف فراتر رفته‌اند. به‌طور مثال نگهداری زندانی مرتکب تخلف و دارای حالت خطرناک حسب تشخیص شورای انضباطی برای ده یا پانزده روز در محل‌های جداگانه و عندالاقضا محل‌های انفرادی، واقعا فراتر از تنبیه انضباطی است؛ به‌ویژه که در قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین مرتبط جواز در خصوص نگهداری زندانی در اتاق و یا سلول انفرادی وجود ندارد؛ بنابراین همان‌گونه که در دادنامه شماره ۴۳۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال بند ۴ ماده ۱۶۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۰ در خصوص نگهداری زندانیان در حبس انفرادی استدلال شده است «طبق اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به‌موجب قانون باشد و به‌صراحت اصل ۳۹ قانون مزبور هتک حرمت و حیثیت محکومان به زندان به هر صورت ممنوع و مستوجب مجازات اعلام گردیده است و حکم مقرر در ماده ۵۷۹ قانون مجازات اسلامی نیز مفهوم عدم جواز اعمال مجازات مقرر درباره محکومان به نحو سخت‌تر از حد متعارف است. نظر به اینکه از طرف مقنن حکمی در باب مجازات حبس به‌صورت انفرادی انشاء نشده و اجرای آن که موجب محرومیت زندانی از مجالست و گفت‌وگو با سایر زندانیان و تألمات روحی و تبعات ناموزون ناشی از آن است، از مصادیق بارز شدت عمل در نحوه و کیفیت اجرای مجازات حبس می‌باشد.» اعطای اختیار به شورای انضباطی زندان در تشخیص شدت تخلف و حکم به نگهداری زندانی به‌صورت انفرادی از مصادیق مجازات بوده

## ۲- عدم اعتنای کافی به حقوق زندانیان اقلیت‌های مذهبی و دینی

آنچه در خصوص زندانیان دارای اقلیت‌های دینی و مذهبی در این آیین‌نامه آمده است از چند جهت قابل انتقاد است؛ نخست اینکه مطابق اصل سیزدهم قانون اساسی «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.» انجام مراسم دینی در ادیان مورد اشاره گاه به صورت فردی و گاه به صورت اجتماعی و در مکان‌های خاصی مانند کلیسا و با حضور روحانی دینی مربوطه قابل انجام است؛ فلذا زندانیان دارای این اقلیت‌های دینی می‌بایست از این امکان برخوردار باشند حال آنکه بر اساس ماده ۸۷ آیین‌نامه زندانیان اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صرفاً می‌توانند یک جلد کتاب مقدس خود را در اختیار داشته باشند؛ و حضور نماینده اقلیت‌های دینی و مذهبی در مؤسسه جهت هدایت و ارشاد، به درخواست زندانی و پس از موافقت رئیس و مسؤول حفاظت و اطلاعات مؤسسه با رعایت قوانین و مقررات سازمان امکان پذیر است؛ بنابراین اولاً در مورد اختصاص مکانی برای انجام فعالیت‌های دینی این زندانیان در آیین‌نامه تصریح و جوازی وجود ندارد و صرفاً ماده ۹۲ آن به احداث نمازخانه وفق شئون دینی اسلام اشاره می‌کند و ثانیاً حضور نماینده

غیرعمدی در حال سپری کردن محکومیت خود هستند. به عنوان یک حداقل، مقام واضع این آیین‌نامه و یا سایر مراجع ذی ربط در این امر می‌توانستند با ارائه ضابطه‌ای در خصوص تعداد و درصد ساکنان دارای اقلیت این مناطق یا تعداد زندانی‌های دارای اقلیت در یک زندان، نسبت به رعایت حقوق دینی این افراد اهتمام بیشتری نشان دهند خصوصاً آنکه اجرای مراسم دینی و مذهبی برای زندانیان در زندان گام مؤثر و مهمی در فرایند اصلاح و بازپروری ایشان به شمار می‌رود و در این مورد فرقی میان زندانیان مسلمان با زندانیان سایر ادیان به رسمیت شناخته شده وجود ندارد.

### نتیجه گیری

از مجموع مباحث مطرح شده در این نوشتار و سایر مفاد آیین‌نامه مزبور که مجال بررسی آن در این سطور فراهم نشد می‌توان استنتاج کرد که اگرچه آیین‌نامه مزبور با شناخت برخی نهادهای کیفرشناختی و جرم شناختی مانند ضرورت طبقه‌بندی زندانیان، تفکیک انواع مؤسسات کیفری، احترام به عزت و کرامت زندانیان، ضرورت احترام به عقاید زندانی، تأمین امنیت و عدالت، پرهیز از تبعیض و برخورداری عادلانه از حقوق، ضرورت رعایت مشاوری‌های بهداشتی و سلامت‌مدار جسمی و روانی سعی در برداشتن گامی روبه جلو داشته است، در برخی موارد در اثر عدم رعایت ظرافت‌های مقرره نویسی، عدم امعان نظر به زندانیان دارای اقلیت، عدم اشراف به قوانین عادی و اصول مرتبط قانون اساسی، عدم بهره‌مندی از نظرات کارشناسی اساتید و صاحب‌نظران رشته‌های حقوق کیفری، جرم‌شناسی و کیفرشناسی از موارد پیشنهادهی در نگارش این آیین‌نامه است.

توجه به رعایت ظرافت‌های مقرره نویسی، امعان نظر به زندانیان دارای اقلیت، اشراف به قوانین عادی و اصول مرتبط قانون اساسی، بهره‌مندی از نظرات کارشناسی اساتید و صاحب‌نظران رشته‌های حقوق کیفری، جرم‌شناسی و کیفرشناسی از موارد پیشنهادهی در نگارش این آیین‌نامه است.

کامل به این هدف نائل شود.

### منابع

- ۱- آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۴۰۰
- ۲- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۹۲
- ۳- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- ۴- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۵- حداقل مقررات معیار برای رفتار با زندانیان در نخستین کنگره سازمان ملل متحد درباره پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان مصوب ۱۹۵۵
- ۶- مباحث مطرح شده در شصت و سومین جلسه نشست‌های دوره دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق شهید بهشتی مورخ ۱۰ خرداد ۱۴۰۱

دینی اقلیت‌ها را منوط به درخواست زندانی، پس از تأیید رئیس و مسؤول حفاظت و اطلاعات مؤسسه و با رعایت مقررات سازمان امکان پذیر دانسته است و مشخص نیست منظور از مقررات و قوانین سازمان چیست و اگر اصلاً چنین مقرره‌ای در این سازمان وجود دارد چگونه می‌توان از آن مطلع شد و آیا اصلاً در دسترس همگان قرار دارد؟ شایان ذکر است که برابر ماده ۴۱ حداقل مقررات معیار برای رفتار با زندانیان<sup>۱</sup> که از آن به قواعد «ماندلا» تعبیر می‌شود «اگر زندان تعداد کافی زندانی پیرو یک دین داشته باشد، نماینده باصلاحیت از آن دین باید منصوب یا تأیید شود. اگر تعداد زندانیان ایجاب کند و شرایط اجازه دهد، حضور نماینده فوق باید بر مبنای تمام وقت باشد. نماینده‌ای باصلاحیت باید مجاز باشد در زمان‌های مناسب مراسم منظم دینی انجام دهد و این مراسم را به طور خصوصی نیز برای زندانیان هم دین خود به عمل آورد؛ دسترسی به نماینده باصلاحیت هیچ دینی نباید از هیچ زندانی دریغ شود.»

انتقاد دوم این است که از دیرباز برخی مناطق و استان‌های کشور دارای تراکم جمعیتی فراوانی از اقلیت‌های دینی بوده‌اند که برخی از این افراد به سبب ارتکاب برخی جرایم عمدی و یا

۱. حداقل مقررات معیار برای رفتار با زندانیان در نخستین کنگره سازمان ملل متحد درباره پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان مصوب ۱۹۵۵

## گزارش



تنظیم کننده: لیلا علمی

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

زندان‌ها؛ حقوق زندانیان مورد توجه قرار گرفته و «امور زندانیان یا حقوق زندانیان» نام می‌گرفت. از بین زندانیان دو سوم آنها متهم هستند که هنوز جرم‌شان ثابت نشده است. در تعریف زندانی متهم را جزء زندانیان محسوب نمی‌کنند با این حال در قوانین دیگر شاهد هستیم که تصریح شده در مورد متهمین حقوق محکومان اجرا خواهد شد. اقدام هر کاری علیه زندانیان و تضییق حقوق آن‌ها نیاز به قانون دارد و نمی‌توان تا این حد به آیین نامه تکیه کرد. مشکل اساسی که در نظام حقوقی مخصوصاً نظام حقوق کیفری کشور روبه رو هستیم نظارت بیرونی است. نظارت بر آنچه که در زندان‌ها می‌گذرد بر عهده ی قاضی نیست، باید ساختاری فراهم شود که مجلس بتواند در این عرصه وارد شود و سیستمی ایجاد کرد که قوه قضائیه قابل استیضاح در مجلس باشد؛ در این حال نه تنها اصل تفکیک قوا نقض نمی‌شود چرا که مداخله در رای دادگاه و قضات مستلزم دخالت مجلس ( قوه مقننه) در قوه قضائیه است بلکه باعث ایجاد تعهد کاری و بهبود سیستم حقوقی در بعد عملی نیز می‌شود.

نشست شصت و سوم از سلسه نشست‌های دوره دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی با سخنرانی آقای دکتر علی صفاری، دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی با موضوع «مروری بر آیین‌نامه زندان‌ها مصوب سال ۱۴۰۰» در تاریخ ۱۰ خرداد ماه ۱۴۰۱ با حضور سرکارخانم دکتر نسرین مهرا، دکتر رجب گلدوست جویباری دکتر باقر شاملو، دکتر علی حسین نجفی ابرنآبادی، دکتر امیرحسن نیازپور، دکتر مهدی صبوری‌پور، دانشجویان دوره دکتری و سایر حضار برگزار گردید. خلاصه نشست به شرح زیر می‌باشد:

آیین نامه زندان‌ها ششمین آیین نامه‌ای است که بعد از انقلاب تصویب شده است؛ قرار بود ظرف مدت ۶ ماه این آیین‌نامه تصویب شود اما فرایند تصویب آن تا ۶ سال به طول انجامید. مواردی از این آیین نامه خلاف قانون اساسی و قانون عادی به شمار می‌رود، چون عطف به ماسبق می‌شود در حالی که این موضوع، خلاف شرایط شکلی آیین نامه است. انتقاد دیگر آن است که چرا اصلاً این آیین نامه به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده است که مشکلاتی در ابطال آن به وجود می‌آورد بهتر بود مفاد آن توسط وزیر دادگستری نوشته می‌شد. این آیین نامه ۳۴۲ ماده دارد و در مشهد تصویب شده است.

اگر یک مقایسه اجمالی داشته باشیم از آیین نامه‌ها چه از لحاظ ماهوی و چه از لحاظ شکلی؛ «این آیین نامه بدترین آیین نامه‌ای است که تصویب شده» از جمله مستند آن می‌توان اشاره کرد به این مورد که قبل از تصویب این آیین نامه درآمد زندانی بین خود و خانواده اش تقسیم می‌شد ولی الان در صورت رضایت خود زندانی این اقدام صورت می‌گیرد در حالی که نفقه افراد واجب‌النفقه به عهده مرد است و این مصداقی از مخالفت صریح با قانون محسوب می‌شود. ایراد دیگری که نسبت به این آیین نامه مطرح است می‌توان اشاره کرد به اینکه در این آیین نامه بهتر بود به جای مقررات اداری و اجرایی مربوط به سازمان



# درآمدی بر «سلسله نشست‌های عدالت کیفری و حقوق بشر»

سمیه پرهیزکاری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

بهتر رابطه حقوق بشر با عدالت کیفری ضروری است تا به بسترهای ظهور و بروز حقوق بشر توجه کنیم. در قرن ۱۵ و ۱۶ به بعد، علوم تجربی رشد گسترده‌ای داشتند؛ اما همچنان پیشرفتی در میان روابط انسان‌ها با یکدیگر و حاکمان با افراد تحت امر و سایر روابط اجتماعی وجود نداشت. تا مدت‌ها حاکمان تمایلی به تنظیم روابط اجتماعی نداشتند و بر اساس سلیقه و تشخیص خود عمل می‌کردند. همین امر سبب بروز فجایع بزرگی همچون جنگ‌های جهانی و قربانی شدن میلیون‌ها انسان بی‌گناه شد. از همین رهگذر بود که حقوق برای تنظیم روابط اجتماعی متولد شد و حقوق بشر ظهور کرد. تولد حقوق بشر در واقع پاسخی به واکنش‌های افراطی بود که در زمینه‌های مختلف اجتماعی و تعامل افراد و حاکمان وجود داشت.

بسترهای ظهور حقوق بشر عبارتند از:

- ۱) حمایت از حق حیات، به عنوان مهم‌ترین موهبت الهی که نباید مورد تعرض قرار گیرد.

- ۲) حقوق بشر دوستانه در زمینه کنترل رفتار جنگی: جنگ باید ضابطه‌مند باشد و نمی‌توان جان و مال افراد بی‌گناه را مورد تعرض قرار داد.

- ۳) حقوق بشر مبتنی بر کیفیت زندگی انسان‌ها و برخورداری از حداقل زندگی مادی، حق بر آموزش، حق بر توسعه و نظایر آن.

- ۴) توسعه حقوق بشر و حقوقی که غیرمستقیم بر کیفیت زندگی انسان‌ها تاثیر می‌گذارند. مانند حق بر اشتغال، حق بر مجازات نشدن، حق بر هوای پاک و امثال آن. انسان‌های خطاکار را نباید به سبب کرامت ذاتی شان

در راستای تبیین تاثیر حقوق بشر بر مفهوم عدالت کیفری جایگاه آموزش و پژوهش در این حوزه، جایگاه بی‌بدیلی است؛ که مرکز تحقیقات و کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو در دانشگاه شهید بهشتی در راستای یکی از وظایف ذاتی خود به آن پرداخته است. بدین ترتیب برگزاری نشست‌های تخصصی با عنوان «سلسله نشست‌های عدالت کیفری و حقوق بشر» در دستور کار این مرکز قرار گرفته است. ارائه مباحث و یافته‌های نوین در حوزه عدالت کیفری با رویکردی حقوق بشری و افزایش تبادل اطلاعات علمی و کمک به رشد و گسترش این مفهوم در ابعاد مختلف پهنه عدالت کیفری از دستاوردهای این سلسله نشست‌ها می‌باشد. در این چارچوب نشست افتتاحیه این سلسله نشست‌ها در تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۳۰ با حضور آقایان دکتر حسین میرمحمدصادقی و دکتر باقر شاملو برگزار شد که خلاصه موارد مطروحه توسط این اساتید ارائه می‌گردد.

**دکتر باقر شاملو: عدالت کیفری از ابعاد مختلف تحت تاثیر مفاهیم حقوق بشری قرار گرفته است.**

عدالت کیفری از ابعاد مختلف تحت تاثیر مفاهیم حقوق بشری قرار گرفته و همین امر سبب ارتقاء و تثبیت و تقویت حقوق جزا و جامعه حقوقی شده است. حقوق بشر و عدالت کیفری دارای رابطه نزدیکی هستند. دستاورد حقوق بشر هدایت، کنترل و کمک به حقوق کیفری برای دفاع از ارزش‌های جامعه بشری است. برای درک

کیفرگرا، تا در موارد نقض حقوق بشر وارد عرصه شود. در قانون اساسی ایران مواردی مانند ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت استراق سمع و کشف مکالمات تلفنی و مراسلات پستی و مخابراتی، ممنوعیت هتک حرمت اشخاص و... پیش‌بینی شده که در بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی برای این ارزش‌ها ضمانت اجرا تعیین شده است. این واقعیت همواره وجود دارد که حقوق بشر در موارد متعددی نقض می‌شود ولی مسئله مهم و همچنین دغدغه جامعه جهانی این است که با این موارد مقابله و برخورد شود.

همچنین تحولات در نظام مجازات‌ها مثل آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم، جایگزین‌های حبس، نظارت الکترونیکی و نظایر آن همگی نشانگر این است که آموزه‌های حقوق بشر در قوانین کیفری ایران در حال توسعه و گسترش است.

نتیجه آنکه میان حقوق بشر و حقوق کیفری تعامل و نزدیکی وجود دارد که هسته آن در رعایت هنجارهای انسانی است. در ابتدا شاهد تقابل بین قوانین کیفری و حقوق بشر بودیم به گونه‌ای که مجازات‌ها با شدت و حدت اجرا می‌شد که ناقض حقوق بشر به شمار می‌رفت. اما رفته رفته در پرتو اسناد حقوق بشری شاهد تلطیف مجازات‌ها و وضع ضمانت اجرا برای نقض حقوق بشر هستیم، امری که در چارچوب قوانین ملی کشورها به وضوح قابل مشاهده است.

تحت مجازات‌ها و کیفرهای ناعادلانه قرار داد. کیفر از عرصه‌های گذشته بر جای مانده که نه تنها موثر نیست بلکه اثر تقابلی نیز در پی دارد. باید بزهکار را به شیوه‌های دیگری مورد اصلاح و تنبیه قرار داد تا موجبات بازاجتماعی کردن او فراهم شود.

جوهره حقوق بشر، کرامت انسانی و میزان توجه به آن است. امری که در قرآن کریم هم به آن اشاره شده است (آیه ۷۰ سوره اسراء). بنابراین، در مباحث حقوق کیفری در حوزه‌های جرم‌انگاری، تعیین مجازات و اجرای مجازات و... همواره باید این اصل را سرلوحه قرار داد و رویکردهای اصلاحی و بازپرورانه را دنبال کرد.

ارزیابی نظام حقوقی ایران از لحاظ رعایت موازین حقوق بشر: نگاه اسلام به انسان‌ها، نگاه کرامت مدارانه است. در قرائت‌های قرآن و برخی از روایات همواره شاهد به کارگیری رویکردی مبتنی بر مسامحه و آسان‌گیری و اجرای مجازات‌ها بر مبنای اصل احتیاط هستیم. به کارگیری راه‌های پیشگیری به مراتب بهتر از واکنش‌های کیفری است.

در زمینه دادرسی کیفری نیز عدالت کیفری اقتضاء می‌کند که محاکمه متهم در پرتو قانون و حمایت و ضمانت از حقوق اساسی وی در جمیع مراحل دادرسی و فراهم نمودن اسباب قانونی لازم برای دفاع همچون اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، تساوری در برابر قانون و حفظ کرامت انسانی وی در محکمه‌ای قانونی، صلاحیت‌دار، مستقل و بی طرف انجام گیرد.

**دکتر حسین میرمحمد صادقی: رابطه حقوق بشر و حقوق جزا با یکدیگر را می‌توان یک رابطه مبهم و گاه متناقض دانست.**

رابطه حقوق بشر و حقوق جزا با یکدیگر را می‌توان یک رابطه مبهم و گاه متناقض دانست که با هر چه چیره‌تر شدن حقوق بشر بر آن در حال تلطیف شدن است. تناقض با حقوق بشر در بطن عدالت کیفری که مبتنی بر مجازات کردن است قرار دارد؛ زیرا در واقع حقوق کیفری بعضی از حقوق بنیادین شخص را محدود یا سلب می‌کند. حال آنکه همین نظام کیفری وظیفه حمایت از حقوق بنیادین را نیز ایفا می‌کند. مباحث حقوق بشر به طور فزاینده‌ای بر حقوق جزای نوین سایه افکنده است. در واقع، حقوق جزا به شدت از آموزه‌هایی چون فردگرایی و انسان‌مداری که محور حقوق بشر است تاثیر پذیرفته است.

حقوق جزا، تضمینات حقوقی را برای نقض حقوق بشر فراهم می‌کند. نظام حقوق بشر دولت‌ها را ملزم می‌کند که موارد نقض حقوق بشر را جرم‌انگاری کنند. در ابتدا اعلامیه حقوق بشر جنبه توصیه‌ای داشت ولی امروزه به دنبال سازوکاری است که هم پیش‌گیرانه باشد و هم

کارگروه عدالت کیفری مرکز تحقیقات و کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی برگزار می‌کند:

نشست افتتاحیه

**«سلسله نشست‌های عدالت کیفری و حقوق بشر»**

دکتر رحیم نوبهار  
دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

دکتر باقر شاملو  
دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

دکتر حسین میرمحمدصادقی  
استاد دانشگاه شهید بهشتی

دیر علمی نشست:  
دکتر عارف خلیلی باجی  
مدیر کارگروه عدالت کیفری مرکز تحقیقات و کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی  
یونسکو در دانشگاه شهید بهشتی

زمان برگزاری:  
سه‌شنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۱  
ساعت ۱۶ تا ۱۹

به شرکت کنندگان در نشست گواهی حضور داده می‌شود.

لینک ورود به جلسه:  
<https://www.sbu.ac.ir/web/webinar>

## گزارش

### نشست دوم:

# حقوق زندانیان در نظام عدالت کیفری ایران

بهره گرفت و هم باید یک نگاه حمایتی به آنها داشت، آنها حق بازگشت به جامعه عادلانه و منصفانه را باید داشته باشند.

خوشبختانه در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی به دو امر اشاره شده است: (اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین). قوه قضائیه هم وظیفه پیشگیری از وقوع جرم و هم وظیفه پیشگیری از تکرار جرم را دارد. این تفسیر دست ما را باز می‌گذارد تا بر مجرمین خطرناک و سابقه دار نیز نظارت کنیم. قسمت بعدی مربوط به اصلاح مجرمین است. این قسمت بر حق مجرمین بحث می‌کند؛ به عبارتی حق آنهاست که اصلاح شده به خانواده خود تحویل داده شوند، به خصوص در جرایم شدید و خطرناک که باید به فکر اصلاح آتی آنها باشیم.

در راستای حمایت از زندانی پس از خروج از زندان، مواد ۳۱۱ تا ۳۱۷ آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، خدمات پس از خروج را پیش بینی کرده‌اند. مراکز مراقبت به منظور تسهیل فرآیند بازپروری و جامعه پذیری و رفع مشکلات او از قبیل ارتباط با خانواده و جامعه، ادامه تحصیل، ادامه درمان اعتیاد، خدمات سلامت روان، تامین هزینه‌های سفر و ... اقداماتی را پیش‌بینی کرده است. از جمله آنها معرفی به سازمان بهزیستی کشور، کمیته امداد امام خمینی، نهادهای دولتی و غیر دولتی و تشکل‌های مردم نهاد و همچنین اقداماتی نظیر راه اندازی مراکز اسکان موقت با همکاری سازمان بهزیستی و سازمان اوقاف و شهرداری‌ها است.

مراکز بعد از خروج، مددکاری‌های اجتماعی متخصص، انجمن‌های حمایت از زندانیان و ستاد دیده نیز بهتر است در این زمینه برنامه‌هایی داشته باشند و صرفاً بر حقوق زندانی در زندان متمرکز نشوند. جامعه محلی،

این نشست در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۱ با حضور اساتید گرامی جناب آقای دکتر عباس شیخ الاسلامی، دکتر هما گرمارودی و خانم منیژه خاکی برگزار شد، که خلاصه موارد مطروحه توسط این اساتید به شرح زیر می‌باشد.

**دکتر عباس شیخ الاسلامی: مراقبت و حمایت زندانی پس از خروج از زندان بحث با اهمیتی است که کمتر به آن پرداخته شده است.**

زندان یک شر ضروری است، که هم در جهت توان گیری از مجرم و هم اصلاح و تربیت او در صورت داشتن یک برنامه منسجم، موثر است. در خصوص زندان‌ها با دو مشکل عمده مواجهیم: متأسفانه، پس از انقلاب، به اهمیت زندان در بازاجتماعی کردن و بازپروری مجرم پرداخته نشد. به عبارتی هنوز زندانی متناسب با استانداردهای روز و باتوجه به وضعیت جرایم و آمار بالای مجرمین ساخته نشده، که نمونه‌ای از این اوضاع نابسامان همچنان در مشهد مشاهده می‌شود (بحث سخت افزاری). و در قسمت دوم (نرم افزاری) نیاز به روانشناسان و مددکاران متخصص در جهت آموزش و ارائه مشاوره در بعدهای مختلف اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و... احساس می‌شود. همچنین بهره‌گیری از مدل‌های مشارکت در زندان مانند اداره زندان توسط خود زندانیان نیز مفید است.

یکی از موضوعات اساسی، در خصوص زندانیانی است که به طور کامل مجازات شده‌اند و آزادی آنها قطعی شده است. به عبارتی آنها دیگر هیچ بدهی‌ای به نظام عدالت کیفری ندارند، ولی هنوز وظیفه نظام عدالت کیفری تمام نشده است. در این خصوص هم باید از مدل پزشکی و در قالب توان‌گیری با نگاهی نظارتی



سبب افزایش جرم می‌شود که این موارد نیازمند بررسی است.

**منیژه خاکی: جرم همزاد جامعه است. در اجرای مجازات زندان باید به جزئیات توجه کنیم تا به هدفی که جامعه به دنبال دارد برسیم.**

آیین نامه اجرایی زندان‌ها مصوب ۱۴۰۰ به برخی از حقوق زندانیان اشاره کرده است. ابتدا تعریف جامعی از زندان باز، نیمه باز، مراکز اصلاح و تربیت و ... ارائه کرده است. محکومین در بدو امر به قسمت پذیرش معرفی می‌شوند و پس از آن تن پیمایی می‌شوند.

محکومان با توجه به سن، نوع جرم، متهم یا محکوم بودن، جرایم مالی و غیر مالی و ... طبقه‌بندی می‌شوند. بعد از ورود زندانی به زندان، دو بحث مطرح می‌شود که اولی ناظر به حقوق او مانند حق دفاع، ارسال اظهارات به مراجع قضایی، حق برخورداری از وکیل و مواردی از این دست می‌باشد و دوم شرکت زندانیان در برنامه‌های بازپروری، مدیریت زندان، اداره بندها، وکیل بند برای مطرح کردن مشکلات و ... است، که این موارد در بازپروری و القای حس ارزشمندی زندانی موثر است. همچنین یکی از تکالیف مهم در قبال زندانیان، حمایت از خانواده زندانی است. مطالعات نشان می‌دهد اطفالی که در کانون اصلاح و تربیت هستند، اغلب یکی از والدینشان در زندان به سر می‌برد. بنابراین سازمان‌های مردم نهاد، ستاد دینه، سازمان بهزیستی و ... همه در حمایت از خانواده زندانی نقش موثری دارند.

مراقبت پس از خروج خصوصاً برای نوجوانان و زنان بحث مهمی است. آنها پس از خروج می‌بایست دارای مسکن پایدار و شغل پایدار باشند تا در اجتماع به طور مستقل فعالیت کنند و به شهروند مسئول تبدیل شوند. در بحث بازپروری موفق، مدیریت درست، سلامت، اشتغال و روابط حمایتی بسیار موثر است. ایجاد امید برای زندانی، الگوبرداری از رفتارهای درست، نشان دادن توانمندی‌ها و تغییرات صفات منفی حتی می‌تواند بیشتر از تعلیق و تعویق موثر باشد.

بنابراین بازپروری و احترام به دیدگاه زندانیان بسیار با اهمیت است. در این راستا باید برای آموزش ضابط اولیه تا مامورین تحقیق، کارمندان دادسرا، قضات دادگاه و دادسرا، پلیس ویژه، مامورین بدرقه و مامور اجرای احکام و ... بودجه خاص پیش بینی شود. مردم نیز در کمک به بازپروری زندانیان بسیار موثرند، چراکه امکانات نهاد های حمایتی و ستاد دینه در این زمینه محدود است.

مساجد، امام جماعت و ... نیز در بازپروری و بازاجتماعی کردن زندانی موثرند.

**خانم دکتر هما داودی گرمارودی: بررسی پارادوکسیکال مجازات زندان و حقوق زندانیان**

واژه حقوق زندانیان سوال برانگیز است، به این معنا که آیا زندانی دارای چنین حقوقی است؟ یا این حقوق، امتیازاتی است که توسط نظام عدالت کیفری به آنها داده می‌شود؟ بررسی سیر تاریخی به ما نشان می‌دهد که در گذشته تکیه مجازات‌ها، مجازات‌های بدنی بوده است و بعداً با پیشرفت جوامع از مجازات‌های بدنی عدول کردیم و به سمت مجازات‌های سالب آزادی پیش رفتیم. این سیر تاریخی و اجتماعی ما را از سیاهچاله‌ها که در آنها تنبیه بدنی مانند شکنجه در حین حبس، مجازات تخته، غل و زنجیر و ... اولویت داشت به سمت حقوق زندانیان سوق داد.

در دهه‌های اخیر در اسناد بین المللی و قوانین جامعه برای زندانیان حقوقی پیش بینی شده است، مانند حق ملاقات شرعی، حق بهداشت و درمان، حق مرخصی، حق بر داشتن وکیل، حق بر معاضدت‌های قضایی و ... استفاده از مجازات زندان باید به شکل حداقلی باشد و حقوق زندانیان به طور دقیق مشخص شود. در مجازات زندان بنا بر این است که فقط حق تردد آزادانه شخص سلب شود. اما از آثار نامطلوب زندان این است که برای تحقق این هدف ناچاراً بسیاری از دیگر حقوق زندانی نیز سلب می‌شود. امکان فروپاشی خانواده، از دست دادن شغل، عدم اعتماد جامعه به او، مشکل در ازدواج، افسردگی، ارتباط با باندهای مجرمانه خطرناک در زندان، یادگیری تخصصی‌تر جرم و ... از معایبی است که زندان به همراه دارد.

یکی از راهکارها برای حل مشکل زندان، کاهش تورم عناوین کیفری است. درست است که جامعه و قانونگذار برای حفظ ارزش‌ها می‌تواند جرم‌انگاری کند، اما قانونگذار در این امر میسوط الید نیست و نمی‌تواند به اسم نظم عمومی و مصلحت عمومی آزادی افراد را محدود کند. باید در این امر مطابق با ضرورت و ضابطه‌مند عمل نماید. در حوزه مجازات زندان هم، این مجازات باید به شکل حداقلی و صرفاً برای کسانی که مستحق این مجازات هستند ( مجرمین خطرناک) استفاده شود. اقتصاد جرم باید طراحی شود. باید میان مفهوم باز پروری و دفاع اجتماعی تناسب ایجاد کنیم. ابتدا تورم عناوین کیفری را کاهش دهیم و سپس عوامل موثر بر بزهکاری را حذف کنیم. بحث فرهنگ سازی در ابعاد مختلف جامعه نیز حائز اهمیت است. بایستی فرهنگ حلال و حرام نهادینه شود. گاهی اختلاف بین طبقات اجتماعی و حقوق جامعه و افزایش گسست اجتماعی

# پایان نامه‌های دفاع شده در دانشگاه شهرید بهشتی

از تاریخ ۱ اسفند ۱۴۰۰ الی ۱ خرداد ۱۴۰۱

تنظیم کننده: سعدی ابراهیم‌زاده

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

۱- امکان‌سنجی تحول در آموزه‌های فقه کیفری در پرتو اندیشه‌های فضل الرحمن  
پژوهشگر: سید ساعی حاجی میرسعیدی  
استاد راهنما: دکتر رحیم نوبهار / استاد مشاور: دکتر علی صفاری

۲- تحلیل جرم‌شناختی آثار فراگیری ویروس کووید ۱۹ (کرونا)  
پژوهشگر: شقایق مداحی‌زاده  
استاد راهنما: دکتر مهدی صبوری پور / استاد مشاور: دکتر امیرحسن نیازپور

۳- راهکارهای پیگیری کیفری ترور شخصیت‌ها در مجامع داخلی و فراملی با تأکید بر ترور  
سپهبد سلیمانی  
پژوهشگر: سید محمد احسانی راد  
استاد راهنما: دکتر رجب گلدوست جویباری / استاد مشاور: دکتر حسین میرمحمدصادقی

۴- جرم‌انگاری ریسک‌مدار در قلمرو جرایم اقتصادی  
پژوهشگر: امیرعباس عباس‌نیا  
استاد راهنما: دکتر باقر شاملو / استاد مشاور: دکتر علی صفاری

۵- جرم‌شناسی مثبت و راهکارهای آن در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان  
پژوهشگر: حوریه سادات دشتی  
استاد راهنما: دکتر لمیاء رستمی تبریزی / استاد مشاور: دکتر علی صفاری

۶- مقایسه عنصر بازدارندگی در کیفر تخلفات رانندگی در نظام حقوقی ایران و آمریکا  
پژوهشگر: محمد مرادی  
استاد راهنما: دکتر رحیم نوبهار / استاد مشاور: دکتر علی صفاری  
اساتید مشاور: دکتر امیرحسن نیازپور و دکتر لمیاء رستمی تبریزی

«««« تنظیم کننده: سعدی ابراهیم زاده  
دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

««« آراء وحدت رویه «««



رای وحدت رویه شماره ۸۲۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۶/۱/۱۴۰۱ راجع به امکان تجدیدنظرخواهی دادستان از آراء برائت صادره در جرایم قابل گذشت: با توجه به اینکه حق تجدیدنظرخواهی دادستان موضوع بند «پ» ماده ۴۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، مطلق است و شامل تجدیدنظرخواهی نسبت به آراء صادر شده در جرایم قابل گذشت نیز می‌شود و با عنایت به اینکه صرف عدم درخواست تجدیدنظر از سوی شاکی، به معنای گذشت وی نیست، بنابراین در جرایم قابل گذشت مادام که شاکی گذشت خود را اعلام نکرده است، حق تجدیدنظرخواهی دادستان نسبت به آراء برائت به قوت خود باقی است.

««« قوانین «««

۱- قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۴۰۱/۱/۲۰: این قانون ۴۷ ماده‌ای، اصلاحات و الحاقات به قانون قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ وارد آورده است.

۲- قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار مصوب ۱۴۰۱/۲/۲: موادی از این قانون، مانند تبصره ۱ ماده ۴، حاوی ضمانت اجرای کیفری می‌باشد



## تازه‌های نشر

تنظیم‌کننده: فرشید نظری  
دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

- ۱- کنترل نوین بانکداری بزهکارانه/ نویسنده: دکتر رامین علیزاده/ انتشارات میزان/ چاپ اول/ سال ۱۴۰۱/ نوع جلد: شومیز/ قطع وزیری/ قیمت ۱۵۰۰۰۰۰ ریال/ شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۲۳۳۱.
- ۲- مقدمه‌ای بر روش و روش‌شناسی تحقیق اسلامی/ نویسنده: سیدمحمد هوشی‌السادات/ انتشارات میزان/ چاپ اول/ سال ۱۴۰۱/ نوع جلد: شومیز/ قطع وزیری/ قیمت ۳۶۰۰۰۰۰ ریال/ شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۲۶۱۴.
- ۳- روند قضاوت، مبانی آن و تشکیل قوه قضاییه/ نویسنده: دکتر سیدحسن اسعدی/ انتشارات میزان/ چاپ اول/ سال ۱۴۰۱/ نوع جلد: شومیز/ قطع وزیری/ قیمت ۱۲۰۰۰۰۰ ریال/ شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۲۰۹۶.
- ۴- حقوق کیفری موادمخدر/ نویسنده: دکتر بهنام اکبری/ انتشارات میزان/ چاپ اول/ سال ۱۴۰۱/ نوع جلد: شومیز/ قطع وزیری/ قیمت ۶۵۰۰۰۰۰ ریال/ شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۲۶۶۹.
- ۵- نظریه حقوق سیاسی/ نویسنده: مارتین لاگلین/ مترجمان: دکتر محمد امامی و آیدا حیدری/ انتشارات میزان/ چاپ اول/ سال ۱۴۰۱/ نوع جلد: شومیز/ قطع وزیری/ قیمت ۹۰۰۰۰۰۰ ریال/ شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۲۶۰۷.
- ۶- تاملاتی در حقوق جزای عمومی/ نویسنده: دکتر محمدجواد فتحی/ انتشارات میزان/ چاپ اول/ سال ۱۴۰۱/ نوع جلد: شومیز/ قطع وزیری/ قیمت ۱۱۰۰۰۰۰ ریال/ شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۲۷۶۸.
- ۷- جرم‌شناسی روایت‌پژوه (درک روایت‌های جرم)/ نویسندگان: لوییس پرسر، اسونیانگ سندبرگ/ مترجم: دکتر هانیبه هژیرالساداتی/ انتشارات میزان/ چاپ اول/ سال ۱۴۰۱/ نوع جلد: شومیز/ قطع وزیری/ قیمت ۱۶۰۰۰۰۰ ریال/ شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۲۵۸۴.
- ۸- پزشکی قانونی و پلیس علمی در تحقیقات جنایی و کشف علمی جرائم از دیدگاه حقوقی/ نویسندگان: دکتر هادی شیرزاد و امید شیرزاد/ انتشارات میزان/ چاپ اول/ سال ۱۴۰۰/ نوع جلد: شومیز/ قطع وزیری/ قیمت ۱۲۰۰۰۰۰ ریال/ شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۲۶۴۵.
- ۹- دادگاه‌های حل مسئله در حقوق کیفری ایران/ نویسنده: دکتر علی عزیزی/ انتشارات میزان/ چاپ اول/ سال ۱۴۰۰/ نوع جلد: شومیز/ قطع وزیری/ قیمت ۱۹۰۰۰۰۰ ریال/ شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۲۳۹۳.
- ۱۰- عدالت حل مسئله در آرا دادگاه‌های کیفری ایران/ نویسنده: دکتر علی عزیزی/ انتشارات میزان/ چاپ اول/ سال ۱۴۰۰/ نوع جلد: شومیز/ قطع وزیری/ قیمت ۹۰۰۰۰۰۰ ریال/ شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۲۳۹۳.
- ۱۱- راهبردهای کاهش جرم/ نویسنده: دکتر غلامرضا محمدنسل/ انتشارات میزان/ چاپ اول/ سال ۱۴۰۰/ نوع جلد: شومیز/ قطع وزیری/ قیمت ۹۰۰۰۰۰۰ ریال/ شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۲۵۷۷.

- ۱۲- عدالت کیفری «قانون» / نویسنده: باکتر اف. ملتون / مترجمان: محمد طهران طرقی و علی جوان جعفری بجنوردی / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۱ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۶۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۵۷۷۹۸.
- ۱۳- حقوق جزای عمومی ۱ / نویسنده: دکتر هوشنگ شامبیاتی / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۱ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۱۰۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۵۷۹۱۰.
- ۱۴- حقوق جزای عمومی ۲ / نویسنده: دکتر هوشنگ شامبیاتی / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۱ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۱۶۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۵۷۹۲۷.
- ۱۵- حقوق جزای عمومی ۳ / نویسنده: دکتر هوشنگ شامبیاتی / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۱ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۱۳۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۵۷۹۳۴.
- ۱۶- حقوق جزای اختصاصی ۱ «جرائم علیه اموال و مالکیت» / نویسنده: دکتر هوشنگ شامبیاتی / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۱ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۱۷۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۵۷۹۴۱.
- ۱۷- حقوق جزای اختصاصی ۲ «جرائم علیه مصالح عمومی کشور» / نویسنده: دکتر هوشنگ شامبیاتی / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۱ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۲۰۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۵۷۹۵۸.
- ۱۸- حقوق جزای اختصاصی ۳ «جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص» / نویسنده: دکتر هوشنگ شامبیاتی / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۱ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۱۷۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۵۷۹۶۵.
- ۱۹- استنادپذیری مبادلات الکترونیک در رویه قضایی ایران / نویسنده: دکتر مهدی وحدتی / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۱ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۷۰۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۵۷۸۳۵.
- ۲۰- بازاندیشی در روش‌شناسی شناخت در رویه قضایی ایران / نویسنده: دکتر فرهاد ایران‌پور / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۱ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۱۷۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۵۸۰۳۰.
- ۲۱- مجموعه مقررات مربوط به زندان و زندانی / تالیف: سیدحسین شاکری / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۱ / نوع جلد: شومیز / قطع جیبی / قیمت ۷۵۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۵۶۶۷۸.
- ۲۲- مجموعه آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور «جزایی» / تالیف: سیدحسین شاکری / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۱ / نوع جلد: گالینگور / قطع وزیری / قیمت ۳۵۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۵۱۹۴۹.
- ۲۳- عدالت «آرای وحدت رویه قضایی و اصراری هیات عمومی دیوان عالی کشور» / تالیف: سروش ستوده جهرمی / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۱ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۳۳۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۵۶۹۸۲.
- ۲۴- مجموعه قوانین و مقررات مربوط به کاربری اراضی / تالیف: شقایق اکبری / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۱ / نوع جلد: شومیز / قطع جیبی / قیمت ۳۰۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۰۰۱۹۳۹۶۸۶.
- ۲۵- مجموعه قوانین کاربردی حقوق پزشکی، دارویی و بهداشتی / تالیف: المیرا نقی‌زاده باقی / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۱ / نوع جلد: شومیز / قطع جیبی / قیمت ۹۰۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۰۰۱۹۳۹۶۳۱.

## تازه‌های لاتین

تنظیم‌کننده: منصوره قنبریان بانوئی  
دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

### Articles:

- 1- Abetting a Crime: A New Approach, M. Beth Valentine, *Law and Philosophy*, 41, 2022.
- 2- A Consequentialist Framework for Prevention, Sandra G. Mayson, *Law and Philosophy*, 41, 2022.
- 3- Coercive Control: Patterns in Crimes, Arrests and Outcomes for a New Domestic Abuse Offence, Iain Brennan, and Andy Myhill, *The British Journal of Criminology*, 62, 2022.
- 4- Criminal Theory and Critical Theory: Husak in the Age of Abolition, Alice Ristroph, *Law and Philosophy*, 41, 2022.
- 5-Improving or Declining: What are the Consequences for Changes in Local Crime? John R. Hipp, Xiaoshuang Iris Luo, *Criminology*, 2022.
- 6- Once Convicted? The Long-term Pathways to Desistance, Joanna Shapland, *The Howard Journal of Crime and Justice*, 2022.
- 7- On the State's Exclusive Right to Punish, Gabriel S. Mendlow, *Law and Philosophy*, 41, 2022.
- 8- Profiting from Pablo: Victimhood and Commercialism in a Global Society, David Rodríguez Goyes and Katja Franko, *The British Journal of Criminology*, 62, 2022.
- 9- Time to Bail out: Examining Gender Differences in the Length of Pretrial Detention Using Survival Analysis, Jennifer L. Kenney and Matthew J. Dolliver, *Justice System Journal*, 2022.

### Books:

- 1-Killer Data, Modern Perspectives on Serial Murder, Enzo Yaksic, Routledge, London and New York, First Edition, 2022.
- 2- Sentencing Youth to Life in Prison, Justice Denied, Kathi Milliken-Boyd, James Windell, Routledge, London and New York, First Edition, 2022.
- 3- The Victimology of a Wrongful Conviction, Innocent Inmates and Indirect Victims, Nicky Ali Jackson, Kathryn M. Campbell and Margaret Pate, Routledge, London and New York, First Edition, 2022.



